

کارگر کمونیست ۹۱

دو هفته یکبار، پنجشنبه، منتشر میشود

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران - درباره مسائل جنبش کارگری

kargar_komonist@yahoo.com

www.wpiran.org/kk-index.htm



معوقة شان سازمان دادند. در مقابل این اعتراض صف بسیار بزرگی از

صفحه ۷

جایگاه و اهمیت و درسهای اعتصاب کارگران کیان تایلر

متن مصاحبه با اصغر کریمی و رضا رشیدی در برنامه تلویزیونی "کارگران و یک دنیای بهتر"

شهلا دانشفر: شما وقتی به کل اعتراضات کارگران کیان تایلر نگاه میکنید چه تصویری از این اعتراضات دارید و جایگاه آنرا چطور مورد بررسی قرار میدهید. رضا رشیدی: در ابتدا از اهمیت این اعتراضات شروع کنم. اعتصاب کارگران کیان تایلر در مقطع تحولات سیاسی اجتماعی کشور دارد اتفاق می افتد. بیش از هزار و چهارصد کارگر در طول چهار و نیم ماه و یا نزدیک پنج ماه اعتراضی را در رابطه با حقوق های

اتحادیه ها و انقلاب صنعتی دوم

بخش اول

صبح روز ۲۰ آوریل ۱۹۱۴ نیروهای مسلح حفاظت و حراست شرکت Colorado Fuel and Iron Corporation (CF&I) (شرکت آهن و سوخت کلرادو)، همراه با نیروهای دولتی به معدنکاران اعتصابی این شرکت و خانواده های آنها یورش آوردند. این معدنکاران از تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۱۳ یعنی از هفت ماه پیش تا به "قتل عام لادلو (Ludlow)"



ناصر اصغری

این زمان در اعتصاب بوده و از خانه های سازمانی خود اخراج شده و در نزدیکی معدن با کمک های دریافت شده از "اتحادیه معدنکاران آمریکا" به مبارزه خود ادامه میدادند و در تمام این مدت در چادر زندگی میکردند و سرمای زمستان سخت ایالت کلرادو آمریکا را به ناچار تحمل می نمودند. در این یورش که به "قتل عام لادلو (Ludlow)"

صفحه ۴



یارانه هوشمند" و اقتصاد محتضر

پیرامون جراحی اقتصادی جمهوری اسلامی - بخش دوم و پایانی

"تاکید کردیم که آنچه که با جارجنال توسط دولت احمدی نژاد "جراحی اقتصادی" نامیده میشود در واقع طرحی از نظر کارشناسی ناقص و دم بریده و عجولانه است که میخواهد اکثریت عظیم مردم را که به شدت به گرانی فزاینده اعتراض دارند و خشمگینند، برای مدتی در انتظار نگه دارد و در عین حال اولین هدفش زدن از سوسیدهایی است که بخشی از آن بهر شکل به جیب مردم میرود. طرح قطع سوسیدها جزء جدایی ناپذیری از طرحهای خصوصی سازی توسط جمهوری اسلامی در دوره های مختلف بوده است. این قدم آخر در مسیر خصوصی سازیهای جمهوری اسلامی است که مدتهاست از دوره رفسنجانی تاکنون دنبال شده است و امکان یورش بیرحمانه و بیشتر کارفرمایان به کارگران و زندگی

صفحه ۳

روز جهانی اعتراض به حکم اعدام فرزند کمانگر

به فدراسیون آموزش بین الملل، سازمانهای کارگری و نهادهای مخالف اعدام (صفحه ۲)

اعتصاب کارگران لوله سازی حرکتی مهم و آموزنده شهلا دانشفر

اخبار اعتراضات کارگری

صفحات ۱۰-۱۲



محمد کاظمی

مسابقات المپیک ۲۰۰۸

سودهای کلان شرکتهای چندملیتی و استثمار و حشیانه طبقه کارگر چین

آقای James Tomkins ورزشکاری که شش بار در بازی المپیک شرکت کرده و سه مدال طلا را بخود اختصاص داده است می گوید "ورزشکاران باید سیاست را کنار گذاشته و تمرکزشان را بر روی بردن مدال در مسابقات المپیک بگذارند." باید گفت به امید آرزوی

که مسابقات ورزشی محلی برای تبادل تجربیات ورزشکاران و

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

به فدراسیون آموزش بین الملل، سازمانهای کارگری و نهادهای مخالف اعدام روز جهانی اعتراض به حکم اعدام فرزند کمانگر

حکومت اسلامی نشسته اند، به خیابان می آیند. بگذار مادر فرزند کمانگر ببیند که قلبهای بسیاری برای آزادی فرزند او و برای لغو حکم اعدام فرزند می تپد و این قلبها و این دستها در روز ۵ اکتبر بهم گره میخورند و برای نجات جان فرزند کمانگر به میدان می آید.

زنده باد همبستگی بین المللی انسانها برای نجات جان فرزند کمانگر

مینا احدی: سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام
تلفن تماس:

00491775692413

شهلا دانشفر: مسئول کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

تلفن تماس:

00447779898968



فرزاد کمانگر



منصور اسانلو

مسئولیت خود و از همه سازمانهای کارگری و مدافع حقوق انسان بخواهید دست به تجمع اعتراضی در مقابل سفارتخانه های جمهوری اسلامی ایران بزنند و به هر طریق که میتوانند حکومت اسلامی را برای لغو حکم اعدام فرزند کمانگر تحت فشار قرار دهند.

در دو سال گذشته به دعوت اتحادیه های کارگری، روز جهانی ابراز همبستگی با کارگران ایران برگزار شده و به این مناسبت در بسیاری از کشورها در مقابل سفارتخانه های جمهوری اسلامی تجمعات متعددی برپا شد و نامه های اعتراضی بسیاری خطاب به سران جمهوری اسلامی ارسال شد. امروز بسیار حیاتی است که بر علیه اعدامها و حکم اعدام فرزند کمانگر به یک حرکت جهانی دست بزنیم. بگذار حکومت اسلامی ببیند که در دنیا افکار عمومی جهانی با قتل عمد و جنایات عامدانه علیه انسانها مخالفند و برای نجات جان کسانی که در سلولهای مرگ

دوستان گرامی!

فرزاد کمانگر معلم جوانی است که در ایران دستگیر و به اعدام محکوم شده است. تا کنون نهادهای متعددی در دنیا به این حکم اعتراض کرده اند. از جمله فدراسیون آموزش بین الملل، فراخوانی برای اعتراض به این حکم و نجات جان فرزند کمانگر داده و از همگان خواسته به این حکم اعتراض کنند. ما در آستانه روز جهانی معلم هستیم. ۵ اکتبر روز جهانی ابراز احترام به معلمینی است که در سراسر جهان به همه کودکان و به فرزندان ما آموزش علم و دوستی و مودت میدهند. این روز فرصت مناسبی است که در سراسر جهان، به هر طریق ممکن به حکم اعدام فرزند کمانگر اعتراض کنیم.

از شما درخواست میکنیم که این روز را روز جهانی اعتراض به حکم اعدام فرزند کمانگر و همه محکومین به اعدام در ایران اعلام کرده و از همه نهادهای تحت

منصور اسالو به زندان رجایی شهر منتقل شد

چشم به بیمارستان شهید لبافی نژاد منتقل شود به جای انتقال به بیمارستان به زندان رجایی شهر کرج منتقل شد

به گزارش سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه منصور اسالو رئیس هیئت مدیره سندیکا که قرار بود روز دوشنبه ۴ شهریور جهت معاینات

ناپدید شدن یک کارگر نانوائی در شهر مریوان

است که: "سه نفر میخواهند با من را ببرند". هم اکنون همکاران و دوستان و خانواده جلال مرادی در نگرانی بسر میبرند.

خود مراجعه نکرده و ناپدید شده است. بنا به همین خبر، جلال مرادی از طریق میایل خود با (اس ام اس) به دوستان خود اطلاع داده

به گزارش انجمن کارگری جمال چراغ ویسی در ۵ شهریور یک کارگر نانوائی با نام "جلال مرادی" از روز دوم شهریور به خانه و محل کار

اعتصاب کارگران نیروگاه اتمی بوشهر

بنابه خبر منتشر شده در ۹ شهریور ماه، کارگران نیروگاه اتمی بوشهر طی روزهای گذشته، با تجمع در مقابل این نیروگاه خواستار پرداخت مطالبات خود شدند که شامل سه ماه دستمزد و حقوق پرداخت نشده است و اعلام کردند که چنانچه طی روزهای آینده تمامی مطالبات آنها پرداخت نشود، مجدداً دست به اعتصاب خواهند زد. این خبر می افزاید که به دنبال اعتصاب کارگران، مسئولین سراسیمه شده و یک ماه از حقوق کارگران را پرداختند و قول دادند که بقیه مطالبات کارگران را نیز در روزهای آینده بپردازند. همین خبر در آخر می افزاید که این اولین اعتصاب کارگران نیروگاه اتمی بوشهر برای دریافت حقوقهای پرداخت نشده شان نبوده است.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

کارگر کمونیست

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران

درباره مسائل جنبش کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

Email: kazem.nikkhah@googlemail.com

هیئت تحریریه

ناصر اصغری

nasser_asgary@yahoo.com

شهلا دانشفر

shahla_daneshfar@yahoo.com

یاشار سهندی

y_sahandi@yahoo.com

حسن صالحی

hasan_salehi2001@yahoo.com

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

سایت کارگران

www.kagaran.org

سایت روزنه

www.rowzane.com

Tel: 0046 739 318 404

Fax: 0046 864 897 16

markazi.wpi@gmail.com

دفتر

مرکزی

حزب

یارانه هوشمند" و ...

از صفحه ۱

مجتمع و مرکز تولیدی را ملغا اعلام کند و کارگران را به کارگران قراردادی و موقت تبدیل کند و آنها را بشدت در برابر کارفرمایان بی حفاظ و ضربه پذیر نماید. به همین دلیل سخن از "خصوصی سازی" برای کارگران به معنای تهاجم و حمله به کارگران است. این طرح نیز در همان چارچوب قرار میگیرد. همانطور که اشاره شد "جراحی اقتصادی" احمدی نژاد تنها دستور عملی ای که میتواند به پیش برد قطع یارانه ها یا سوسیدها و قرار دادن آن در چنگ دولت است. این اقدام برای جمهوری اسلامی عملی است چون صحبت از زدن چندین میلیارد پول از سفره مردم و قرار دادنش در جیب گردانندگان دولت است تا هر جور خواستند آنرا میان خود تقسیم کنند. این اقدام را اگر در کنار ورشکستگی بخشهایی از کارخانجات و بیکارسازیهایی و اخراجهای متعاقب آن قرار دهیم که در بخش اول به آن اشاره کردیم متوجه میشویم که این طرح هرچه هم که دست و پایریده و ناقص و محکوم به شکست باشد، ابزاری را برای تهاجم وسیعتر صاحبان سرمایه به زندگی مردم و بویژه کارگران به دست آنها میدهد.

چگونه میتوان در برابر این تهاجم یا توطئه ایستاد؟

اما این طرح يك جنبه دیگر نیز در خود دارد که کارگران و مردم میتوانند بر مبنای آن تهاجم متقابل و تعرض و مبارزه گسترده و سراسری برای گرفتن حقوقشان را شکل دهند. طرح پرداخت یارانه نقدی يك توقع را وسیعاً به میان مردم میبرد و آن اینکه باید نقداً هرماه چند صد هزار تومان سوسید شوند. دولت احمدی نژاد در مقابل صدای اعتراضی که وسیعاً از جامعه علیه حکومت بلند شده خود را ناچار دیده است پاسخی

یعنی يك صف عظیم دهها میلیونی که از همین فردا طلبشان را از حکومت میخواهند. بحثهایی که در محافل دولتی در حول و حوش این طرح جریان دارد مهمترین جنبه اش هشدار دادن در مورد همین خطر است. میگویند قیمتها بشدت بالا میروند و توقع مردم هم چندین برابر میشود. میگویند این طرح عواقب فوری اجتماعی دارد. میگویند ابزار آمارگیری و کنترل درآمدها و بالا و پایین رفتن درآمدها را نداریم و همه مردم را يك جا به متقاضیان "یارانه نقدی" تبدیل میکنیم! و امثال اینها. همین واقعیت را باید دید و بر اساس آن حرکت کرد. اکنون دولت اعتراف میکند که از این پس حدود ۶۰ میلیون مردم ماهیانه باید از دولت یارانه دریافت کنند. همین نقطه تهاجم و تعرض خوبی به حکومت فقر و فلاکت و گرانی است: ۱- اولین و فوری ترین مساله اینست که کارگران باید مخالفت خود را با قطع سوسیدها با صدای رسا اعلام کنند. تاکید رهبران کارگری باید این باشد که کالاهای اساسی مورد استفاده مردم مثل نان، آب، برق، گاز و بنزین باید از طرف دولت سوسید شود. در این رابطه باید به افزایش قیمتها در همین مدت اخیر که نام این طرح مطرح شده استناد کرد. بسادگی میتوان نشان داد که این طرح قیمتها را شدیداً افزایش خواهد داد. باید وسیعاً با افزایش قیمتها مخالفت کرد. اگر نتیجه این فشار ما کارگران علیه قطع سوسیدها بر حکومت این باشد که گردانندگان دولت علیرغم آمار موجود مدام تاکید کنند که چنین اتفاقی نخواهد افتاد و قیمتها افزایش نخواهند یافت حتی همین اعتراف بر مبارزه آتی ما تاثیرات مثبتی دارد و تعرض ما را آسان تر میکند. بگذار حکومت پشت سنگرهایی پناه بگیرد که يك ماه هم دوام نخواهد آورد. بگذار همه مردم انگشت در چشم سران حکومت

کنند و بگویند شما دروغ میگفتید و ما حق داشتیم. بگذار زبان زن و مرد و پیر و جوان نسبت به مقامات و گردانندگان ریز و درشت حکومت دراز شود. این به نفع مبارزه ماست. ما کارگران میدانیم چه اتفاقی خواهد افتاد و باید همین را با صدای رسا بگوییم که این طرح باعث خانه خرابی بیشتر اکثریت مردم میشود. و بجای آن باید دولت از ثروتهای عظیمی که در اختیار دارد برای سوسید کردن کالاهای اساسی استفاده کند. نه اینکه سوسیدها را بزند و در اختیار آقازاده ها و مفت خورهای حکومتی قرار دهد.

۲- از هم اکنون باید در مقابل بیکارسازیهایی و اخراجهای جمعی سنگر بندی کرد. خیل سرمایه داران "ورشکست شده" در ماههای آتی افزایش خواهد یافت. عده ای واقعا ورشکست میشوند و عده ای هم طبق معمول از جو و فضا استفاده میکنند که کمکهای گرفته شده را بالا بکشند و در برونند و در جای دیگری بیزینس خود را شروع کنند. این فضای بلبشویی است که در انتظار کارگران است و اگر از هم اکنون در مقابل آن محکم سنگر بندی نکرده باشیم عوارض وخیمی از نظر بیکارسازیهایی جمعی برای زندگی بسیاری از کارگران خواهد داشت. متشکل شدن و متشکل بودن کارگران و داشتن سخنگویان شناخته شده ای که صدایشان را بتوانند در سطح بین المللی و بطور سراسری به گوش همه برسانند بسیار حیاتی است. ایجاد تشکلهای دفاع از حقوق کارگران، تشکلهایی که از حق کارگران برای حفظ اشتغال و بیمه بیکاری و دخالت در شرایط کارخانه دفاع کنند بسیار مهم است و میتواند در حرکتها آتی بسیار کارساز باشد. این کلید پیشروی بعدی ما در شرایط بلبشویی است که پیش خواهد آمد و هرچه ما کارگران متشکل تر باشیم امکان

پس زدن و به شکست کشاندن توطئه ها را بیشتر خواهیم داشت. و میتوانیم بسیار امیدوار باشیم که از این فضا حتی برای پیشرویهایی آتی مان استفاده کنیم و حکومت و کارفرمایان را در يك فضای اعتراض عمومی گامها عقب برانیم.

۳- مبارزه برای گرفتن دستمزدهای معوقه را باید شدت و گسترش بخشید. جمهوری اسلامی با طرح پرداخت یارانه ها به جایی قدم گذاشته است که راحت تر میتواند مورد تعرض ما قرار گیرد. میگویند نقداً یارانه خواهند داد. بسیار خوب! اما دولتی که میخواهد یارانه نقدی بدهد قبل از آن باید حقوق و دستمزد توافق شده کارگر را بپردازد. هیچ بهانه ای برای نپرداختن دستمزدها وجود ندارد. اگر دولت دارد اعتراف میکند که اکثریت عظیم مردم که تمامی کارگران جزو آنها هستند باید یارانه نقدی دریافت کنند، قبل از آن حقوقهای رسمی و توافق شده کارگران را که جزو طلبهایشان است باید پرداخت کنید. هیچ عذر و بهانه ای برای نپرداختن دستمزدها یا دفاع از کارفرمایانی که دستمزدهای کارگران را پرداخت نمیکنند وجود ندارد. با پا گذاشتن حکومت اسلامی به میدان اقتصاد و گرانی و پرداخت نقدی و امثال اینها، حتی اگر همه اینها در حرف باشد که هست، شرایط بسیار مساعدتری برای تعرض کارگران و مردم به حکومت و دفاع از حقوق رفاهی و اقتصادی خود فراهم میشود. این حکومت باید حقوق حقه کارگران و مردم را بدهد. این حکومت دارد اعتراف میکند که زندگی مردم زیر خط فقر است. این حکومت دارد اعتراف میکند که برای مشکلات کم شدن گرانی و فقر مردم پاسخ دارد. بسیار خوب. باید جواب دهد که چرا دستمزد توافق شده کارگران را بدون تاخیر نمی پردازد؟ آیا از این

صفحه ۴

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

اتحادیه ها و انقلاب ...

از صفحه ۱

رسمیت شناخته شدن تشکل شان، افزایش ۱۰ درصدی دستمزدها، ۸ ساعت کار در روز، اخراج نیروهای مسلح از معدن و اجرای قوانین تصویب شده معدن توسط مجلس بود. این اعتصاب با قساوتی کم نظیر سرکوب شد. بعد از سرکوب این اعتصاب، که مورخین جنبش کارگری دلیل اصلی شروع آن را برای برسیمت شناخته شدن تشکل کارگران می دانند، صاحبان معدن برای کارگران اتحادیه ای با تمام دم و دستگاهی که یک اتحادیه امروز داراست، تشکیل دادند.

مقدمه

تا قبل از بحث های منصور حکمت در باره تشکل های توده ای کارگران، خیال قریب به اتفاق ما در جنبش چپ و کارگری ایران راحت بود. شورا و سندیکا بعنوان دو الگو از تشکل های توده ای کارگری و یا تشکل هائی برای پیشبرد مبارزه و منافع کارگران در مراحل مختلفی از مبارزه کارگران، فرض گرفته می شدند. گذشته حماسی و اسطوره ای اتحادیه ها نگاه بسیاری از ما را محدود کرده بود. اما با بحث های منصور حکمت و قطعنامه حزب کمونیست ایران آن دوره، این موضوع وارد فاز دیگری شد و آن راحتی خیال ما هم بهم خورد!

وقتی که سندیکالیست هائی که پشت این گذشته حماسی و اسطوره ای قائم شده بودند و آگاهانه این "فرض" را باد می زدند خود را با بن بست روبرو دیدند، بحث های دیگری را دامن زدند تا بلکه با این نوع بحث ها برای مدت دیگری جنبش چپ و کمونیستی کارگران را مشغول کنند. "سندیکا تشکل صنفی کارگران است و شورا تشکل سیاسی!"; "سندیکا سنگر کارگران در دوران متعارف است، شورا ابزار دوران متلاطم و انقلابی!"; "تشکل مستقل کارگری" و غیره. برای باز کردن این گره ها، مجبوریم به تاریخ

نمی تواند تن دادن به خانه کارگر و شاخک های آن (شوراهای اسلامی کار و انجمن های صنفی) باشد. اگر شرایطی برای ایجاد شورا و گرد آمدن کارگران در مجامع عمومی پلیسی است، برای ایجاد سندیکا هم پلیسی است.

کسانی هم هستند که می گویند "در شرایطی که هیچ گونه تشکلی در ایران تحمل نمی شود، چنین برخورداتی منجر به تخریب تشکل پذیری کارگران می گردد." این هم نوع دیگری مانع تراشی و جوسازی برای اینست که کارگر چشم بسته به گرایش معینی تسلیم شود. هدف من در نوشتن این مقاله و مقالات این چنینی در عین حالی که کمک به تلاش برای ایجاد شوراهای کارگری است، کمک به شناخت سندیکا بعنوان بدیل سندیکالیسم برای متشکل کردن کارگران می باشد. در این جمله ظرافتی نهفته است که در هر نوشته ای که به این موضوع می پردازد، مجبوریم این ظرافت را یادآور شویم. و آن هم این است که گرچه سندیکا بدیل سندیکالیسم برای متشکل کردن کارگران است، اما سندیکالیسم لزوما کارگران را برای ایجاد سندیکا به میدان نمی آورد و معترض نمی کند. بلکه اگر مبارزه ای در جریان باشد، جلو می افتد و بدیل خود را مطرح می کند. در ایران امروز آنچه را که پرچمدار اتحادیه گرائی است، "توده ایسم" است که سرش در آخور جمهوری اسلامی است. اگر شاهد بقایای جریانات چپی از قبیل جریانات خط ۳ نیز هستیم که مدافع "سندیکاهای سرخ" هستند، قبل از آنکه واقعا آلترناتیوی را مطرح بکنند، ناشی از بی آلترناتیوی آنهاست که نمی توانند رادیکالیسم کارگری را از سندیکالیسم تمیز بدهند. نکته آخر در این مقدمه این است که در ایران امروز همانند هر جای دیگر دنیا، تلاش برای سازماندهی جنبش کارگری در ابعاد مختص بخود و جغرافیای مخصوص بخود در جریان است. آنچه که جنبش کارگری ایران را از بسیاری از جاهای

دیگر متمایز می کند، وجود گرایشی نیرومند برای سازماندهی شورائی کارگران است که آن را از جنبش های کارگری در کشورهای دیگر متمایز می کند.

گذرا در باره "تاریخ حماسی" اتحادیه ها

کسی که انقلاب روسیه و تجربه

یارانه هوشمند" و ...

طبیعی تر و "مشروع تر" و بدیهی تر امری وجود دارد که اول طلب آن یکی دو میلیون کارگری را که کار کرده اند و زیر خط فقر حقوق برایشان تعیین شده و بعد همین حقوقهایشان هم پرداخت نشده است باید فوراً پرداخت شود؟

فضای مناسب تری برای تعرض

میتوان به محورهای متعدد دیگری نیز اشاره کرد. اما آنچه میخوام تاکید کنم اینست که این مهم است که فشار اعتراضات ما کارگران و مردم، حکومت را وارد میدان گفتن اقتصاد و رفاه و گرانی و قیمتها کرده است. و این برای ما کارگران و مردمی که از فقر و گرانی بجان آمده اند و زیر فشار واقعا غیر تحملی قرار دارند، جای خوبی برای تعرض و پافشاری بر حقوق رفاهی و حق انسانی زندگی کردنمان است. در این زمینه يك نکته دیگر هم که به نفع ما کارگران عمل میکند وجود رقابتهای بسیار تند و حاد میان جناحهای حکومت بر سر همین اقتصاد و نحوه اداره اقتصادی جامعه و دزدی ها و چپاولها و قیمتها و امثال اینهاست. اگر ما یعنی جبهه کارگران و مردم درست عمل کنیم میتوانیم از این فازی که آغاز شده برای پیشروی بسیار حیاتی علیه جمهوری اسلامی و کل طبقه سرمایه دار استفاده کنیم. میتوانیم جنبش حق طلبی و خواستهای رفاهی خود را به خواستهای کل

شورها و کمیته های کارخانه آن را، و یا انقلاب ۱۳۵۷ ایران و تجربه شوراهای کارگری آن را نشینده باشد و یا این دو تجربه را به دلایلی کنار بگذارد، با رجوع به تاریخ، مبارزه کارگران در قالب سندیکاهای کارگری را می بیند که چگونه در مقابل تعرض و تهاجم سرمایه داران و دولتشان می

صفحه ۵

از صفحه ۳

جامعه تبدیل کنیم. میتوانیم مساله افزایش دستمزدها، بیمه بیکاری مکفی به همه افراد بیکار و آماده بکار، سوسیسید کالاهای اساسی مردم و بسیاری خواستهای دیگر را به موضوع يك جنبش سراسری و فعال علیه جمهوری اسلامی و کل سرمایه داران تبدیل کنیم. تقویت این مبارزه و این جنبش رفاهی و حق طلبانه با این سیاست دولت اسلامی در صورت هوشیاری رهبران کارگری امکان پذیر تر است و در عین حال گسترش و تقویت چنین جنبش سراسری و رفاهی و حق طلبانه ای در شرایط کنونی برای مقابله با تهاجم حکومت و سرمایه داران و کل مافیای اقتصادی بسیار حیاتی است. اگر توانیم چنین جنبشی را به جریان بیندازیم که شعارها و خواستهای رفاهی تعرضی کارگران و مردم را در راس دستور مبارزه و جدال ما با طبقه سرمایه دار قرار دهد، بی تردید کل مافیای اقتصادی از این فضا برای تعرض بیشتری به ما استفاده خواهد کرد. شخصا بسیار امیدوارم که وجود حزب کمونیست کارگری و وجود رهبران کارگری هوشیار و با تجربه ای که طی سالهای اخیر جلو آمده اند بتوانند این را تضمین کند که سیاست اقتصادی جمهوری اسلامی به طور همه جانبه به شکست کشیده شود و جنبش حق طلبانه کارگران و مردم گامی اساسی و سریع در بطن این جدال به پیش بردارد. پایان

زنده باد جنبش مجمع عمومی!

اتحادیه ها و انقلاب ...

از صفحه ۴

ایستند. این تاریخ حماسی معمولا در آرشو سنديکاهائی قرار دارند که نه می خواهند با آن تاریخ تداعی شوند و نه تاریخ پیوسته ای با آن مبارزات دارند. اتحادیه های کارگری امروزه بازوی قدرتمند نظام سرمایه داری هستند. خودشان قبل از هر چیز به شما خواهند گفت که پای اصلی "قرارداد اجتماعی (Social Pact)" برای همزیستی مسالمت آمیز بوده اند. نقش امروزشان نه در متحد کردن و متحد نگه داشتن جنبش کارگری، که در ایجاد تفرقه و کنترل خشم کارگران است. اتفاقا يك نقش اساسی شان خنثی و پاک کردن تاریخ مبارزاتی است که بسیاری از کارگران با اتکا به آن تاریخ به آینده و مبارزه پیش رویشان امیدوار می شوند.

در برهه ای از تاریخ رشد و تکوین سرمایه داری، اتحادیه های کارگری، حتی اتحادیه صنوف، تنها ابزار و سنگر دفاع و مبارزه کارگران بودند. بسیاری از مبارزات قدرتمند و حماسی کارگران، بخصوص در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، حاصل مبارزه کارگران متشکل در این تشکل ها بوده است. لیکن موضوعی که در برخورد به اتحادیه ها که در اکثر مواقع عمدا پوشیده نگه داشته می شود این است که موقعیت امروزی آنها از پروسه شکل گیری شان در اوان تکوین سرمایه داری تفکیک داده نمی شود. اتحادیه ها همانند هر پدیده دیگری تاریخی دارند که پروسه ای را طی کرده است. نمی شود آن تاریخ را و اینکه امروز اتحادیه ها جزئی از سیستم شده اند را دلخواهی دور زد و نادیده گرفت و به تاریخ حماسی دوره تکوینشان چسبید. این همانقدر که دلخواهی است، ذهنی و غیراجتماعی نیز هست.

اتحادیه گرایی و رادیکالیسم کارگری

با رجوع به تاریخ در هر دوره ای، بخصوص در تعیین کننده ترین مقاطع آن، خود را با مقابله و رودروئی رادیکالیسم کارگری با گرایش محافظه کار و رفرمیست که اتحادیه ها سنگر اصلی اش بوده است، مواجه می بینیم. با همه اینها در تاریخ متشکل جنبش کارگری و بخصوص متشکل در اتحادیه های کارگری، جز در موارد معدودی، شاهد همزیستی دو گرایش رادیکال و رفرمیستی می باشیم. این همزیستی یا بدین دلیل بوده است که هر دو گرایش تقریبا به

يك اندازه مورد سرکوب هیئت حاکمه قرار می گرفتند؛ و یا هم به دلیل سرکوب گرایش رادیکال و در نتیجه خزیند و تمکین این گرایش به رهبری گرایش راست و رفرمیستی در اتحادیه بوده است. در بسیاری موارد رهبری رفرمیست و سازشکار اتحادیه ها، محملی برای فعالین گرایش رادیکال بوده است.

اجازه بدهید اینجا به يك نمونه اولیه و مشخص این همزیستی اشاره کنیم. با معرفی ماشین بخار و قبل از آن مصادره چراگاهها از دامداران خرد (پروسه ای که به آن Enclosure گفته می شود) که باعث کشته شدن مردم هر چه بیشتری از زمین برای فراهم کردن نیروی کار لازم و هم چنین دامداری (گوسفندداری) کلان برای تهیه پشم مورد نیاز صنایع رویه رشد انگلیس شد، جامعه انگلیس شاهد فرو رفتن بخش عظیمی از مردم به فقر و فلاکت بی نظیری شد که به نوبه خود خشم کارگران و خلع ید شدگان را به همراه آورد. "قانون تجمع (Combination Laws)" که در سال ۱۷۹۹ توسط پارلمان انگلیس تصویب رسیده بود، هرگونه تشکلی را غیرقانونی اعلام کرده و مجازات سختی را برای تلاش برای متشکل شدن در نظر گرفته بود. با تداوم فقر غیرقابل باوری که متوسط سن در بعضی از شهرهای صنعتی انگلیس را به ۱۸ سال رسانده بود، اعتراض در جامعه به دو شکل در جریان بود. یکی در شکل لادیسیم (Luddism) و دیگری کمپین برای رفرم. لادیسیم که اسم دیگری برای جنبش ماشین شکنی بود، فرم رادیکال اعتراض به این فقر بود. فرم رفرمیستی اعتراض، همزاد و اتفاقا زاده شده از دل لادیسیم بود. دولت انگلیس در عین حالی که هرگونه اعتراض را سرکوب می کرد و رهبران این اعتراضات را اعدام، زندانی و به استرالیا تبعید می کرد، در عین حال هرگونه تجمع را هم با اتکا به "قانون تجمع" غیرقانونی اعلام کرده بود. و در عین حالی که تشکیل اتحادیه های

کارگری غیرقانونی بودند، نسبت به کمپین رفرم هم، که پیشقراولانش آن را

علاوه بر جلوگیری از درنده خوئی سرمایه داری تازه دور گرفته، برای کاهش نفوذ رادیکالیسم هم معرفی می کردند، بی اعتنا بود! تعدادی از سیاستمداران با نفوذ در انگلستان آن دوره، با اعتراض به وضعیتی که لادیسیتها بر علیه آن مبارزه می کردند، موافق بوده و احساس همدردی می کردند؛ اما مخالف شیوه های رادیکال این اعتراض بودند. تعدادی نیز کمپینی "لابی ایستی" راه انداخته بودند که دولت به ایجاد یکسری اتحادیه های کنترل شده رضایت بدهد. یکی از اولین رهبران کارگری به نام (Gravener Henson) گریونر هنسن) که بافنده ای با نفوذ، هم در میان کارگران و هم در بین سیاستمداران پارلمانی بود، کمپین لابی ایستی خود را خستگی ناپذیر به پیش برد و خواهان اجازه ایجاد "نیمچه اتحادیه های کارگری" شد که هم تهدید لادیسیم را کم کند و هم اجازه بدهد کارگران اعتراض خود را از يك کانال قانونی به گوش سیاستمداران برسانند.

واضح است که این سنگر بندی به این سیاه و سفیدی نبود. همچنانکه بالاتر اشاره کردم، اتحادیه سنگر هر دو گرایش رادیکال و رفرمیست در کنار هم بود. رادیکالیسم در جامعه آن دوره و محدوده ای که لادیسیتها (Luddite) فعالیت داشتند، تنها به لادیسیم محدود نمی شد. همان اتحادیه هائی که دو تن از پیشقراولان شناخته شده رفرمیستش گریونر هنسن و فرانسیس پلس (Francis Place) بودند، عناصر بسیار رادیکالی داشت که بعدها معلوم شد از شیوه های لادیسیتی هم برای ابراز اعتراض خود استفاده می کردند. در بین ماه های آوریل تا اکتبر سال ۱۸۱۴ که لادیسیم تقریبا بعد از یکسری ترورها و اقدامات بسیار خشن از طرف دولت انگلیس سرکوب شده بود، در منطقه ناتینگهم حدود ۱۰۰ دستگاه پارچه بافی و کارخانه به آتش کشیده شدند. این ماشین شکنی در کارخانجاتی صورت گرفت که دستمزدها کمتر از دستمزدهای اعلام شده از طرف فعالین برای ایجاد و قانونی کردن همان "نیمچه اتحادیه ها"

و یا اتحادیه های اولیه و ابتدائی پرداخت می شدند. پلیس دو تن از اعضای این اتحادیه ها را دستگیر کرد که به دنبال آن اسنادی نیز به مصادره پلیس در آمد. بر اساس منافات فعالیت برای ایجاد این اتحادیه ها با "قانون تجمع"، کلیه اموال آنها مصادره شده و تعدادی نیز دستگیر شدند. تلاش برای ایجاد اتحادیه ها و یا بقول خودشان همان "نیمچه اتحادیه ها" برای چندین سال دیگر به عقب رانده شد.

متأسفانه اینجا پرداختن به کل آن تاریخ برایمان مقدور نیست، اما آنچه که شایان ذکر است، این است که بسیاری از رهبران کمپین رفرمیستی که سردمداران کمپین موفق لغو "قانون تجمع" در سال ۱۸۲۴ نیز بودند هیچگونه میانه ای با رادیکالیسم کارگری نداشتند و هدف از مطالبه رفرمشان در وهله اول خلاصی از شر رادیکالیسم کارگری بود. البته من با عینک امروز به سالهای اولیه ۱۸۰۰ نمی نگرم. اما آنچه که اینجا مد نظر است این نکته است که در هر برهه ای از تاریخ مبارزه طبقه کارگر، رفرمیسم جدا از هر مطالبه دیگری را که مطرح می کرد، مقابله با رادیکالیسم نیز جزئی از وجودش بوده است. بی خود نیست که در آستانه انقلاب اکتبر عناصر محافظه کار جنبش کارگری در تقابل با رادیکالیسم کارگری و شوراها و کمیته های کارخانه، در اتحادیه های کارگری سنگر گرفته بودند. و یا رادیکالیسم کارگری و رفرمیسم و گرایش محافظه کار در جنبش کارگری آمریکا در شکل WW او یا سوالیه های کار با اتحادیه های فدارسیون کار آمریکا رویرو بودند. و شاید بهترین و ملموسترین نمونه برای خوانندگان این نوشته، انقلاب ۵۷ ایران باشد. گرایش محافظه کار، حتی با سر پر آوردن شوراها کارگری در هر گوشه و کناری، محکم به سنديکا چسبیده بودند و حتی بعد از شکست حکومت پهلوی، کمونیست ها را تهدید می کردند!.. ادامه دارد

مسابقات المپیک ۲۰۰۸...۱

از صفحه ۱

همچنین محلی برای شادی انسانهای روی زمین باشد نه جولانگاهی برای سودجویهای کمپانیهای چندملیتی و بهره برداری سیاسی و اقتصادی دولتهای سرمایه داری! در این مقاله نگاهی خواهیم داشت به ریاکاریهای سخنگویان دولت آمریکا در انتقاد از دولت چین در آستانه مسابقات المپیک؛ سودههای هنگفت کمپانیهای چندملیتی و بهره برداری سیاسی دولت چین از این مسابقات و همچنین فعالیتهای فعالین اتحادیه ای و کمپین Fair Play در حمایت از کارگران چینی. در ضمیمه این مقاله، بطور مختصر به وضعیت طبقه کارگر چین بعد از ۱۹۷۸، سالی که در آن دولت چین سیاست اصلاح به نفع بازار را اعلام نمود، خواهیم پرداخت.

مسابقات المپیک فرصتی فراهم آورده است که دولت آمریکا يك تصفیه حساب سیاسی با سرمایه داری چینی نماید؛ سرمایه داری که میروند تا هرچه بیشتر به صورت يك غول اقتصادی برتر از آمریکا عرض اندام کند. دولت آمریکا که در پایمال کردن حقوق بشر و تجاوز به کشورهای دیگر برنده رکورد جهانی است در آستانه مسابقات المپیک که یاد عدم رعایت حقوق بشر در چین و سرکوب مردم در تبت، برمه و دارفور افتاده است. خانم Nancy Pelosi، سخنگوی دموکراتها در کنگره آمریکا میگوید که مردم آزادیخواه جهان با تظاهراتشان در سراسر دنیا نشان میدهند که ایده صلح و همسازي المپیک باید شامل حال تمام مردم دنیا منجمله مردم تبت و دارفور گردد. سخنان جورج بوش در روز قبل از شروع بازیها جالبتر است! او میگوید: آمریکا مخالف سرسخت زندانی شدن مخالفین سیاسی، هواداران حقوق بشر و فعالین مذهبی است. ناگفته نماند که منظور وی از "مخالفین مذهبی" اساسا Dalai

شده است. البته ناگفته نماند که انتظار میروند مسابقات المپیک امسال پر منفعت ترین مسابقات بین المللی در طول تاریخ باشد. برآورد شده است که در ایام مسابقات نیم میلیون بازدید کننده خارجی به چین سرازیر شوند. بی جهت نیست که کمپانی های مختلف برای بعهده گرفتن تهیه لباس های ورزشی از سرو کول همدیگر بالا میروند. بعنوان مثال کمپانی Adidas مبلغی در حدود 80- 100 میلیون دلار به کمیته بین المللی المپیک (IOC) باج داده است تا در این مسابقه برنده شود.

البته در این میان بهره برداری سیاسی دولت چین را نباید فراموش کنیم. روزنامه Herald Tribune می نویسد دولت چین می خواهد با فرصت بدست آمده از مسابقات المپیک يك تصویر مثبتی از چین را به دنیا ارایه دهد. هزینه این شمایلی سازی، بر اساس برآورد این روزنامه، مبلغی در حدود ۴۰ میلیارد دلار برآورد شده است. بله ۴۰ میلیارد دلار! همانطوریکه در ابتدا اشاره کردم در حالیکه سرمایه داران چینی و آمریکایی و دولتهایشان به بهره برداری اقتصادی و سیاسی از مسابقات المپیک مشغول هستند، این وظیفه نیروها و سازمانهای مترقی و بخصوص کارگری است تا در حمایت از هم طبقه ای های خود در کشور چین بیا خیزند. کمپین Play Fair، ظاهرا مسئولیت چنین رسالتی را بعهده گرفته است. Play Fair يك کمپین بین المللی است که در ۳۵ کشور جهان عضو دارد و تشکلات کارگری بزرگی چون International Trade Union Confederation با ۱۶۸ میلیون عضو را در برمیگیرد. این کمپین با شعار احترام به حقوق کارگران تولید کننده وسایل ورزشی در جهان به افشاجاری در مورد تجاوز به حقوق کارگران پرداخته است. به نظر می رسد که فعالیت این کمپین بجز در کشور هنگ کنگ که اقدام به تظاهرات خیابانی کرده است عمدتا به

جمع آوری امضاء و نوشتن مقالات افشاگرانه و تحقیقی محدود بوده است. این کمپین موفق نشد توجه انسانهای زیادی را بخود جلب کند. برعکس جنبش ارتجاعی - ناسیونالیستی در تبت، برمه و دارفور با شعار طرفداری از حقوق بشر و محکوم کردن دولت چین و با برپایی تظاهراتی در لندن، پاریس، سان فرانسیسکو و تورنتو، و صد البته با حمایت مدیای غرب، سر و صدای زیادی بپا نمود و توجه صدها هزار انسان در کشورهای غربی را بخود جلب کرد.

کمپین Play Fair نشان داد تا زمانی که جنبش سازشکارانه و رفرمیستی اتحادیه ای نماینده طبقه کارگر و مردم آزادیخواه جهان است، طبقه کارگر قادر نخواهد بود از اساسی ترین خواست های خود و مردم آزادیخواه جهان دفاع کند. مسابقات المپیک امسال و سواستفاده های سیاسی از این فرصت بدست آمده هم چنین نشان داد که در صورت عدم وجود يك انترناسیونال رادیکال و سوسیالیستی، این جنبشهای ارتجاعی و مرتجعینی چون جورج بوش و Dalai Lama هستند که میدان دار معرکه خواهند بود.

ضمیمه

بنظر می رسد که تا قبل از سال ۱۹۷۸، سالی که در آن دولت چین سیاست اصلاح به نفع بازار market reform policy را اعلام نمود، طبقه کارگر چین، حداقل آن بخشی که برای دولت کار می کرد از شرایط بهتری در زمینه هایی چون استخدام، خانه، بهداشت و تحصیلات برخوردار بود. تا همین الان، در چین قوانینی که از حقوق کارگران حمایت میکنند از خیلی از کشورهای دنیا بهتر است. مثلا کارفرما مجبور است که با ۲۵ امضای کارگران اتحادیه آنها را برسمیت بشناسد. و در آن صورت میباید به اندازه ۲ درصد از حقوق

کارگران به اتحادیه بپردازد. اما با باز شدن درهای چین به روی بازار آزاد جهانی در سال ۱۹۷۸ این حقوق مورد حمله قرار گرفت. امروزه تقریبا ۷۰ درصد از اقتصاد چین توسط بازار آزاد کنترل میشود. بازاری که هیچ ارزش و اعتباری به قوانین کاری نمیکندارد. از این گذشته، تنها سازمان رسمی و قانونی کارگری در چین All China Federation of Trade Unions (ACFTU) که سازمانی است کاملا زرد و دست نشانده دولت، با ساختاری کاملا بوروکراتیک. در مورد ساختار بوروکراتیک این سازمان همینقدر کافی است که بدانیم انتخابات در اتحادیه های عضو این سازمان هر پنج سال یکبار برگزار میشود. حقوق سالیانه رییس يك اتحادیه برابر با حقوق سالیانه پریزیدنت آن کارخانه است. در مورد وابسته به دولت و زرد بودن این سازمان هم باید گفت که سیاستهای حاکم بر این سازمان در سال ۱۹۷۸ بازسازی شد به این صورت که اتحادیه ها موظف شدند منافع ملی را بالاتر از خواسته های کارگران قرار دهند. سخنان معاون رییس اتحادیه ACFTU در کارخانه هوندای پکن بروشنی این سیاست را بازگو میکند. او در ملاقاتی با هیأت کاندایی از این کارخانه در سال ۲۰۰۱ میگوید: "منافع درازمدت کارگران نمی تواند از منافع درازمدت کمپانی جدا باشد. اگر روابط کاری متشنج شود، ممکن است که این کار به ورشکستگی کارخانه منتهی گردد و در این صورت منافع کارگران نمایندگی نخواهد شد. اعتصابات راه های خشم آلود مسله است. مذاکرات، بحث و گفتگو و همچنین مداخله حزب کمونیست راه های بهتری برای حل مسله میباشد".

چنانکه ملاحظه می کنید همه رفرمیستهای اتحادیه ای به يك زبان صحبت میکنند: تقدم منافع ملی که همان منافع سرمایه داران و دولت حامی شان

صفحه ۱۰

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

جایگاه و اهمیت ...

نیروهای سرکوب از اطلاعات نیروهای ضد شورش و پلیس صف کشیدند به کارخانه حمله کردند. دیوار کارخانه را تخریب کردند تعدادی از کارگران را مورد ضرب و شتم قرار داده و عده ای را دستگیر و روانه زندان کردند. اما کارگران در طول این پنج ماه بهیچ وجه عقب نشینی نکردند و هر روز مطالبات و خواسته های خودشان را افزایش دادند. و همچنین سطح مطالبات را بالا بردند. یکی از نقاط اهمیت این اعتراض همانطور که اشاره کردم در مرکز کشور و در شروع تحولات سیاسی و اجتماعی یک جامعه است که رخ داده است. و همچنین کارگران به این نکته پی برده اند که با کوتاه آمدن در مقابل کارفرما و با قبول وعده و وعید هرگز به مطالبات و خواسته هایشان نخواهند رسید. و همین باور باعث شد که در تداوم اعتراضشان به وعده و حرفهای شفاهی اعتماد و اعتقادی ندارند. و اعلام کردند هر توافق باید کتبی شود و مسئولین ذریبط باید زیر آنرا امضا و پاسخگو باشند. و خواسته دیگری که کارگران بر مطالباتشان اضافه کردند. نظارت بر فروش کارخانه است. این خواسته یکی از دستاوردهای مهم این دوره از اعتراضات کارگران کیان تایر که در تجربه روزمره شان به آن رسیدند. و میخواستند خودشان مستقیماً بر فروش کارخانه نظارت کنند. این خواسته میتواند ادامه کاری کارگران را تضمین کند.

شهلا دانشفر: اصغر کریمی شما جایگاه و اهمیت این اعتراض را چگونه می بینید؟

اصغر کریمی: کارگران کیان تایر در چندین ماه گذشته سر سخته این مبارزه را ادامه دادند. و ابتکارات جالبی از قبیل لاستیک آتش زدن، نصب بلند گو و کوییدن به نرده های کارخانه، تجمع در خیابان و اقداماتی که هم اکنون شاهد آن هستیم. من قبل از هر چیز میخوام دست تک تک این کارگران و بویژه رهبران و فعالین این مبارزه را به گرمی بشارم و

از صفحه ۱

برایشان آرزوی موفقیت بکنم. این کارگران شایسته گرمترین حمایت ها از طرف همه مردم هستند. در دور اخیر شکل مبارزه تغییر و ارتقا پیدا کرده است. دور قبل از نظر سازماندهی و سازمانیافتگی کمتر کار شده بود. اما این روزها با تشکیل مجمع عمومی و انتخاب ۲۷ نماینده قدم بسیار مهمی به جلو گذاشتند. و نمونه تازه ای در مقابل جنبش کارگری قرار دادند. که حاصل درس گیری از طرف کل جنبش کارگری و سایر بخش های جامعه میتواند باشد. کارگران اعلام نکردند که سه یا چهار نماینده داریم که از طرف رژیم تحت فشار قرار بگیرند. انتخاب ۲۷ نماینده یک نقطه قوت است. که می نشینند و تصمیم میگیرند. و در موقع مذاکره اولاً خطر کمتری آنها را تهدید میکند. و تبادل نظر ۲۷ نماینده حتماً منجر به اتخاذ تصمیم دقیقتر و روشنتری میشود و در مراجعه ۲۷ نماینده به مراکز دولتی به اداره جات بیشتر میتواند طرف مقابل دولت و کارفرما را تحت فشار قرار دهد و عقب براند. همینطور خواسته دیگرشان که گفته اند که بر فروش نظارت کنند. کارگران میدانند که کارفرما میگوید فروش نداریم. در آمد نداریم و در کارخانه را باید بست. و کارگران در مقابل با نظارت بر فروش میگویند. فروش که داریم. درآمد داریم. و این حق کارگران است. حتی بیشتر از این حق دارند. کارگران حق دارند کل تولید و توزیع را کاملاً نظارت کنند. و در قدمهای بعدی باید بخواهند که بر کل مسایل اقتصادی کارخانه نظارت داشته باشند. و جلوی هزاران دزدی و فساد و توطئه های پشت سرهم را بگیرند. این خواسته کارگران را جمع و متحد میکند باعث میشود بقیه کارگران بتوانند اظهار نظر و دخالت کنند. کارگری که هیچ کس در جامعه نظرش را نمی پرسد، ولی در مجمع عمومی می نشیند و نظر میدهد. این تجمع اتحاد و اعتماد

اما تشکیل مجمع عمومی که کارگران را جمع و متحد میکند باعث میشود بقیه کارگران بتوانند اظهار نظر و دخالت کنند. کارگری که هیچ کس در جامعه نظرش را نمی پرسد، ولی در مجمع عمومی می نشیند و نظر میدهد. این تجمع اتحاد و اعتماد

به نفس ایجاد میکند. به کارگران شخصیت میدهد که میتوانند در سرنوشت خودشان دخیل باشند. موقعی که کارگر در تصمیمات مجمع عمومی دخیل باشند؛ مسلماً بهتر میتوانند از نمایندگانشان حمایت کنند. و اگر خطری آنها را تهدید کند. بهتر و محکمتر میتوانند حمایت کنند. اینها نقاط قوت این دوره از مبارزات کارگران است. اما یک موضوع دیگری که هنوز جای زیادی دارد که به آن پرداخته شود، نقاط قوت و ضعف این دوره از مبارزه کارگران است.

شهلا دانشفر: اجازه دهید به نقاط قوت و ضعف بعداً اشاره کنیم. الان به کلیت مساله که در اوضاع امروری جنبش کارگری و اوضاع سیاسی جامعه این حرکت چه جایگاهی دارد، بپردازیم. و اینکه این اعتراضات انعکاس چه وضعیتی است. اجازه دهید نگاه کلی تری به این اعتراضات داشته باشیم. در رابطه با مجمع عمومی که شما به آن اشاره کردید، در اولین مجمع عمومی که در ۱۴ مرداد بود کارگران ۴ خواسته را اعلام کردند. ۱- میزان تولید روزانه حداقل بین ۵۰ تا ۸۰ تن باشد. این خواسته پاسخ کارگران در مقابل کارفرماست که میگوید خطر تعطیلی کارخانه را تهدید میکند. و میخواهد کارخانه را تعطیل کند. این خواسته پاسخ کارگران است در مقابل حرف کارفرما مبنی بر تعطیلی کارخانه. همچنین این خواسته خطر بیکار شدن کارگر را کم میکند. کارفرما اعلام کرده بود که شما به سر کار برگردید ما ۴۰ درصد فروش کارخانه را به شما اختصاص میدهیم. ولی کارگران این را نپذیرفتند. و این خواسته را مطرح کردند. دومین خواسته کارگران تشکیل شورایی تحت عنوان نظارت بر فروش بود. سومین خواسته کارگران این بود که کلیه دستگاههای فرسوده و آسیب دیده باید تعمیر گردد و این خواسته بسیار جالب است. که کارگران بعنوان صاحب کار اعلام کردند که مجمع عمومی تصمیم گرفته و باید این خواسته ها عملی شود. چهارمین خواسته توافقات بین کارگران و

کارفرما باید مکتوب باشد. این ۴ خواسته خلاصه، روشن شفاف و در عین همه این خواسته ها، میگویند دستمزدهایمان را هم میخواهیم. مزایای پرداخت نشده مان را هم میخواهیم. و جنبه مهم دیگر این حرکت انتخاب ۲۷ نماینده و ۲۷ چهره بعنوان نمایندگان کارگری است که اگر یک چنین اتفاقی در نیشکر هفت تپه، در ایران خودرو و در سراسر ایران شکل بگیرد، ببینید چه ابعاد عظیمی جنبش کارگری پیدا خواهد کرد. و الان که کارگران نیشکر هفت تپه تشکیل خودشان را ایجاد کرده اند می بینیم جنبش کارگری در چه موقعیت قدرتمندی قرار میگیرد. اما اجازه بدید به بحثمان ادامه بدیم. رضا رشیدی شما در باره نقاط قوت و ضعف صحبت کردید، و اصغر کریمی هم در صحبتهایشان به آنها اشاره داشت. در همین مدت که تصویر کلی و عمومی از این حرکت دادید، اشاره ای هم به نقاط قوت و ضعف کردید، دوست داشتم بار دیگر توضیح بدهید که این نقاط قوت چه دست آوردهایی برای جنبش کارگری دارد؟

رضا رشیدی: قبل از پرداخت به سؤال شما، لازمست کمی در اهمیت و جایگاه این اعتراض بر بستر اوضاع سیاسی اجتماعی موجود در جامعه توضیح بدهم، امروز جمهوری اسلامی در جایی ایستاده که هر روز مردم انواع شیوه های سرکوب، تا دعوت به صرفه جویی، اعلام خطر حمله نظامی، و در آخرین طرح خودش، به اصطلاح سامان دهی یارانه، که همان قطع سوسپد هاست، با تمام این طرحها وضعیت فلاکت باری را که مردم دچار آن هستند را میخواهد بدتر کند. که مردم از کوچکترین خواسته هایشان دست بردارند. به اعتراضات کارگری حمله میکنند. به دانشجویان و زنان حمله میکنند. و این اعتراض ۵ ماهه بر متن چنین اوضاع سیاسی ای اتفاق افتاده و تداوم پیدا کرده است. و کارگران کیان تایر با اتخاذ تاکتیک های مناسب توانسته اند ۵ ماه این اعتراض را ادامه بدهند. و به نظرم خود این مساله بسیار مهم است. در

مورد این اعتراض و مقایسه آن و نقاط قوت و ضعف آن اشاره ای بیشتری بکنیم؛ تاکتیکهای نو و شیوه های جالبی بود که کارگران کیان تایر ابداع کردند. که برای پیروز شدن یک اعتراض میتواند الگوی خوبی برای جنبش کارگری باشد. لاستیک آتش زدن بعنوان یک اهرم تبلیغی برای اینکه صدای خودشان را به گوش جامعه برسانند. با نصب بلند گو در سطح کارخانه و ایجاد سر و صدا و نشان دادن اینکه اعتراض دارند. و همین باعث شد که مردم چهار دانگه رفتند جلوی شهرداری تجمع کردند و گفتند بیاید به خواستههای اینها جواب دهید و نیازهای کارگران را برطرف کنید. و اعلام کردند با پاسخ ندادن خواستههای کارگران شما هستید (مسئولین دولتی) که آسایش ما را مختل کرده اید. کارگران با این تاکتیک توانستند بخشی از مردم منطقه را با خود همراه کنند. مساله بعدی همراه کردن خانواده ها بسیار مهم بود. که توانستند خانواده هایشان را با خود همراه کنند. نکته بعدی که کارگران اعلام کردند میخواستند مبارزه شان را به سطح شهر بکشانند. و در مجمع عمومی قرار گذاشتند که در مقابل مجلس تجمع خواهند کرد. و خواسته های خودشان را در سطح جامعه اعلام کنند. نکته دیگر من چند مصاحبه از این کارگران دیدم که اقدام مناسب و رو به جلویی بود. مصاحبه با رسانه ها و استفاده از آنها برای رساندن صدای اعتراض خودشان به گوش کل جامعه و رو به جامعه اعلام کردند که ما کارگر هستیم و حقوقمان را پرداخت نمیکنند. از نقاط قوت دیگر این اعتراض خواست نظارت بر فروش و قطع دست کارفرما از این اهرم که تولید نداریم. فروش نداریم و داریم ضرر میدهیم. با طرح این خواسته کارگران این زیرکی کارفرما را از او گرفتند و از طرف دیگر خواست افزایش تولید را طرح کردند. که بتوانند تداوم کار خودشان را تضمین کنند. و آخرین دستاورد تشکیل مجمع عمومی که ابزار بسیار مهمی است. مجمع عمومی کارگر را در اتحاد نگاه میدارد. با اتکا به

جایگاه و اهمیت ...

مجمع عمومی کارگر به خانه فرستاده نمیشود. که حالا نماینده دارید و برای یکسال به خانه بروید. به اتکا مجمع عمومی وقتی کارفرما وعده میدهد. کارگر در جواب میگوید. من میروم و در مجمع عمومی با بقیه کارگرها تصمیم میگیریم. و کل کارگران تصمیم میگیرند. که در مقابل کارفرما چه واکنشی نشان بدهند. به این اعتبار مجمع عمومی اتحاد و صف کارگران را مستحکمتر میکند. اعتماد به نفس بیشتری به کارگر در اعتراض میدهد.

شهلا دانشفر: اصغر کریمی شما چه نکاتی دارید در زمینه نقطه قوتها و نقطه ضعف های این حرکت؟

اصغر کریمی: این اعتراض نباید منزوی بماند. و همانطور که بالاتر هم اشاره شد، کارگران با چه ابتکارات جالبی توانستند توجه جامعه را بخود جلب کنند. تشکیل مجمع عمومی، داشتن خواسته های روشن، و اینکه در مورد تولید چه تصمیماتی گرفته اند که جلوی بهانه و توطئه بستن کارخانه را بگیرند. تصمیم گرفتند که اعتراضشان را به خیابان بکشانند. اینها نقاط قوت مهم این حرکت است. من قبلا اشاره کردم. اینکه ۲۷ نماینده انتخاب کردند، نقطه قوت دیگرشان است. يك خواستی که اعلام کردند که توافقات باید کتبی باشد. بسیار مهم است. میخوام کمی روی این مکث و بحث کنیم. به نظرم این یکی از مهمترین خواسته های کارگران است. اینکه یکسری مسایل شفاهی گفته میشود و آخر سر هم روشن نیست و کارفرما هم زیر آن میزند و تعهد نمیکند. دوما موقعی که کتبی باشد. در مراجعه به ادارت میتواند بگویند این هم تعهد کتبی و چرا اجرا نمیکند. از طرف دیگر این خواسته خود کارگران را متحد تر نگاه میدارد. فعالین کارگری تلاش میکنند کارگران را حول خواسته هایشان متعهد نگاهدارند. این طوری نیست که این اتحاد به راحتی و سادگی بدست بیاید. موقعی که کارفرما يك تعهد کتبی

از صفحه ۷

کرده است. این باعث میشود توده کارگر هم با يك روحیه حق به جانب و با يك اعتماد به نفس بیشتر پشت سر رهبران و نمایندگانشان جمع شوند و حرکتی را سازمان دهند. این یکی از نکاتی است که بیشتر باید بر آن تاکید کرد.

در مورد نقطه ضعف ها باید بگویم که خود کارگران دارند متوجه آن میشوند و آنرا حل میکنند. بعنوان نمونه کارفرما میگوید برای هفته دیگر، برای روزهای آینده به مساله تان پاسخ میدهم. یا اجازه بدهید چند روز دیگر فلان کار را میکنیم یا یکی دو هفته طول میکشد. این ها همه وعده سرخمن است. یکی دو هفته دیگر یعنی چه. روزهای آینده یعنی چه. کارگران خیلی جاها بویژه در شهر سندانج و در چند مورد کارگران شاهو و کارگران نساجی کردستان از این نظر تجربه خیلی جالبی داشته اند. اولتیماتوم دادند و اعلام کردند، روزی را مشخص کردند و گفتند بطور مثال اگر تا فلان تاریخ پاسخ ما را ندهید روز بعدش تجمع خواهیم کرد. و دست به اعتصاب میزنیم. این باعث میشود کارفرما نتواند فرسایشی کارگران را خرد کند. باعث میشود کارگر بالتکلیف نماند. و همه کارگران و فعالین و رهبران کارگری راحت تر میتوانند تجمع کنند و توده کارگر انتظار دارد در تاریخ تعیین شده اتفاقی بیفتد. ولی موقعی که میگویند. یکی دو هفته آینده. روزهای آینده. معلوم نیست. دوباره همه چیز را به نقطه صفر نبرند. دوباره فعالین کارگری و کارگران از نو باید تصمیم بگیرند. که دوباره مبارزه شان را از کجا شروع کنند. تا کی باید صبر کنند. به نظرم یکی از مسائل خیلی مهم تاکتیکی جنبش کارگری است که کارگران تاکید کرده اند که توافقات باید کتبی باشد. به نظرم این يك نقطه قوت و يك پیشروی است.

شهلا دانشفر: این نکته مهمی است که توافقات باید کتبی باشد. اولتیماتوم دادن، همانطور که شما اشاره کردید، زمان تعیین کردن و

اجازه ندادن به کارفرما که هر چقدر دلش خواست موضوع را کش بدهد و هفته ها و روزها عقب بیندازد، مهم است و جنبه هایی از مبارزه سازمانیافته است که ما تجربه اش را در اعتراضات مختلف داریم. و کار و امر این برنامه اینست که ما بتواند این تجربیات را جمع بندی و منتقل کند. و بگوید معضل در کجاست. و یا مثلا مجمع عمومی تشکیل دادن. این اتفاق در جنبش کارگری يك گام به جلو بود. و ما شاهد مجامع عمومی خود بخودی، تجمعات خود بخودی کارگران در حین اعتراض و اعتصاب بودیم. و در جاهایی هم اشکال آگاهانه به خود گرفته است. مانند. نساجی کردستان، شاهو، نیشکر هفت تپه، و در بعضی از مواقع در حرکت های کارگری. و اینجا در این حرکت معین کارگران راسا اعلام کردند ما شوراهای اسلامی را نمیخواهیم. ما میخواهیم خودمان نماینده انتخاب کنیم. میخواهیم مجمع عمومی تشکیل دهیم. و تشکیل دادند و تحمیل کردند و انتخابات کردند. در جلوی چشم شورای اسلامی در جلوی چشم کارفرما ۲۷ نماینده انتخاب کردند. این نشان دهنده این است که میشود و در گام بعدی همین را باید منظم کنند و اعلام کنند ما هر هفته جمع میشویم. این ۲۷ نماینده هر هفته کارگران را فرا میخوانند، بر سروضیت کار، ایمنی محیط کار و وضعیت تولید و غیره تصمیم میگیرند. و این میشود شورای کارخانه. میشود شکل کارگران. این تجربه ایست که عملی و اجرا شده است. و همین الان کارگران گامهای مهم آنرا برداشته اند. این درسی است برای کارگران ایران خودرو، درسی برای سایر کارخانجات که با معضلاتی این چنینی روبرو هستند. این نکته ای بود در ادامه نقطه قوتها که لازم بود تاکید شود. اما اصغر کریمی شما داشتید در مورد کمبود های این حرکت صحبت میکردید؟

اصغر کریمی: البته خوشبختانه روز به روز کارگران جلو آمده اند. و يك ماه پیش نقاط ضعف بیشتری داشتند و امروز نقاط قوت بیشتری دارند و

امیدوار کننده است. کارگران کیان تایر درسهای ارزشمندی به جنبش کارگری میدهند. و امروز میشود و بسیار مفید است که اینها را در جاهای دیگر الگو قرار داد. تجارب آنها را به جاهای دیگر برد. ولی علیرغم تمام نقاط قوت به نظرم يك نقطه ضعف هنوز برجسته است. علیرغم اینکه کارگران توجه دارند صدای اعتراض خودشان را بگوش جامعه برسانند. مثلا به نرده های کارخانه بزنند و سر و صدا راه بیندازند. با بلند گو صحبت کنند و لاستیک آتش بزنند، این اقدامات برای این بود که جامعه را متوجه کنند. یعنی اهمیت اینکه باید اعتصاب در کارخانه محدود نماند و جامعه باید مطلع شود. را قطعا میدانند. و همه این کارها را بخاطر همین کرده اند. منتها خیلی موثر تر میتوانستند استفاده کنند. مثلا همین رسانه کانال جدید. با کمال میل حاضر است هر روز اعتراض آنها را منعکس کند. اگر در جامعه بقیه کارگران مشکلی نداشتند. اگر مردم مشکلی نداشتند. درد کارگر کیان تایر را نمی فهمیدند و کارگران کیان تایر هم میگفتند خوب کسی نیست که به حرف ما گوش دهد. اما موقعی که میلیونها نفر از کارگران حقوقهای معوقه دارند. خطر تعطیلی کارخانه تهدیدشان میکند. واقعا گرسنه اند و همین خواسته ها را دارند. رساندن صدای اعتراض اعتصاب، هر روزه و نه با يك هفته و دو هفته و یکماه تاخیر، فوق العاده مهم است. و تاثیر میگذارد. و اینجاست که جمهوری اسلامی میگوید باید کاری بکنیم. اینها دارند روی جامعه تاثیر میگذارند. دارند جامعه را به آشوب میکشند و از این نظر خبررسانی يك مساله بسیار مهم است. کارگران باید تصمیم بگیرند و بگویند ما هر روز کسانی را مامور میکنیم و از خواهرهایشان، اقوامشان، فرزندان بزرگشان و فعالین اعتصاب از هر رسانه ای از کانال جدید و یا هر رسانه ای که صدای آنها را منعکس میکند، بخواهند که اخبار اعتراضات اینها را بگوش جامعه برسانند. از خود بپرسند که در باره تجمع امروزش

خبررسانی کرده اند یا نه. این یکی از مهمترین اقداماتی است که باید در اعتصاب انجام گیرد. که خوشبختانه در یکی دو سال اخیر جنبش کارگری به این مساله توجه کرده است. و جمهوری اسلامی وحشت میکند و کارفرماهای دیگر وحشت میکنند و میگویند که اینها دارند فضا سازی میکنند و ضمنا اگر خبر رسانی شود جلب توجه همگانی بیشتری را به همراه خواهد داشت. این کار زمینه به هم پیوستگی همگانی مراکز کارگری را فراهم میکند. من فکر میکنم در طول چندین ماه اعتصاب باید دهها بیانیه به کارخانجات اطراف خود و دیگر مراکز کارگری میفرستادند. روی سایتها میگذاشتند. خطاب به چندین کارخانه در بیانیه هایشان اسم میبردند. و کتبا میگفتند ما خواسته هایمان اینهاست. و در فلان تاریخ توافق کرده ایم و شما از ما حمایت کنید. این نوع اطلاع رسانی جنبش کارگری و يك اعتصاب را در قلب جامعه و مردم میبرد و شروع میکند به تاثیر گذاشتن، همبستگی ایجاد کردن و به این معنا میخوام بگویم استفاده موثر تر و هر روزه از تاکتیک انعکاس خبر مبارزه، توده کارگر را از روحیه بالاتری برای ادامه اعتراض برخوردار میکند. کارگر قوت قلب بیشتری میگیرد. و دوم، جلب اعلام همبستگی و اعزام نماینده به کارخانجات دیگر و صحبت کردن، مقابل کارخانجات دیگر راهپیمایی کردن، تجمع و خواهان پیوستن جامعه به اعتراض و اعتصاب شدن، این اشکالی است که کارگران توجه دارند ولی به نظر میرسد که کم بها داده شده است و کم توجه کرده اند.

شهلا دانشفر: رضا رشیدی شما در چهارچوب کمبود های این حرکت آیا تائیدی دارید؟

رضا رشیدی: همانطور که اصغر کریمی توضیح داد، تبلیغ و رساندن صدای اعتراض به گوش جامعه با استفاده از شیوه هایی مثل صدور بیانیه، فرستادن نماینده به کارخانجات مختلف میتواند در پیشبرد و قدرت

جایگاه و اهمیت ...

از صفحه ۸

بخشیدن به کارگران بسیار با اهمیت باشد. اما مساله دیگری که همواره یک اعتراض و اعتصاب کارگری را تهدید میکند، مساله مالی است. کارفرما سعی میکند با سردواندن و پاسخ ندادن کارگر، با دادن وعده های سرخرمن کارگران را فرسوده کند. اعتراض کارگر چندین ماه طول میکشد و کارگران خسته شوند. و کارگری که همین امروز برای امرار معاش خودش وامانده و حقوقش ماهها پرداخت نشده، و بعضا به ۳۰ ماه میرسد. مساله مالی اهرمی است در دست کارفرما که اعتراض را با پاسخ ندادن طولانی مدت کند. و تلاش کارگران برای حل این معضل مساله مهمی است که میتواند یک اعتراض معین را به پیروزی رساند و عدم توجه به آن خطر شکست اعتراض را بیشتر میکند. در این رابطه کارگران کارخانه کیان تایر باید صندوق همبستگی مالی اعلام کنند. و از اینطریق میتوانند کمک بسیار موثری به ادامه اعتراض خودشان و نزدیک این اعتراض و اعتصاب به پیروزی کمک نمایند. مساله دیگری که به نظر مهم است. کارگران در مجمع عمومی قرار گذاشتند برود جلوی مجلس و نهادهای دولتی تجمع کنند و از اینطریق مبارزه شان را در سطح جامعه ادامه داده و منعکس کنند. و از اینطریق بخش های دیگر جامعه را به میدان کشند. بخش های دیگر جامعه مانند زنان، دانشجویان، که همین امروز معترضند. و یک جریان قوی اعتراض به بی حقوقی در سطح جامعه وجود دارد. که کارگران سعی کردند با اتخاذ تاکتیک رفتن درون شهر این جریان قوی اعتراض را با خودشان همراه کنند. و پیشنهاد من اینست که نه تنها باید در مقابل مجلس و ارگانهای دولتی تجمع کرد، بلکه موثر خواهد بود که در مقابل سایر کارخانجات تجمع برپا کنند. چند وقت پیش کارگران ایران خودرو، کارگران سایپا دیزل نسبت به وضعیت دستمزدهای خود اعتراض داشتند. به نظر کارگران باید با توجه به توازن قوا

جلب توجه کنند. حرف بزنند. و همبستگی و همدلی مردم را با خودشان همراه کنند. این مصاحبه ها رهبران تازه ای را به جنبش کارگری میدهند و کارگر برای خودش و کارگر بغل دستی اش ارزش بیشتری قائل میشود. ۳- تلاش برای جلب همبستگی با بقیه مردم. در یک اقدام سازمانیافته باید کاری کنند که حمایت باقی کارگران در سایر کارخانجات را بخود جلب کنند. ممکن است بلافاصله کارگران

کارخانجات دیگر عکس العملی نشان ندهند. ولی از آنجا که زمینه آن کاملا مهیاست، باید این فشار را دائما وارد کرد و این فرهنگ را بیش از پیش جا انداخت. بویژه مساله همسران که به آن اشاره کردیم و کارگران هفت تپه در همین دوره اخیر تجربه خوبی را داشتند. توانستند خانواده هایشان را

با خود همراه کنند. و موقعی که اعضای خانواده در اعتراض و اعتصاب کارگران شرکت میکنند، اعتراض ابعاد اجتماعی خاصی پیدا میکند. که بدن آن دامنه اجتماعی اعتصاب یقینا کمتر خواهد بود. به نظر باید یک جمع هایی را در جلوی ادارات چهاردانگه و بقیه کارخانجات اطراف تشکیل داد. همسرانشان را فعالانه در اعتصاب شرکت دهند. شرکت اعضای خانواده ۱۴۰۰ کارگر در یک تجمع و انعکاس آن ابعاد اجتماعی وسیعی را به آن اعتراض میدهد. و مبارزه به نقطه عطف و فاز بالاتری میرسد. البته موانع زیادی وجود دارد. اما یک بخشی روحیات و ذهنیاتی که وجود دارد و دیدیم آنموقعی که دستگیرشان کردند، خیلی از همسران جمع شدند و اعتراض کردند. این زمینه هست. و باید گسترش پیدا کند. باید کاری کرد. که در هر تجمع افراد بیشتری شرکت کنند. نکته آخر اینکه ضرب الاجل هایشان و اولتیماتوم هایشان را روشن کنند. تاریخ مشخص بدهند. بگویند تا فلان روز و این باعث میشود نگذارند فرسوده شوند. این عمل دست کارفرما را می بندد و کارفرما عاجز از سردواندن و نا امید کردن کارگران در اعتراض میشود.

شهلا دانشفر: بلبه دقیقا. زمان پیشروی، تعرض، عقب نشینی اینها، همه را باید خود کارگر تعیین کند و نباید اجازه داد کارفرما سربرواند. و کارگر را به مراکز اداری پاسکاری کند. اولتیماتوم دادن، زمان تعیین کردن مشخص کردن قدمها و لحظات خیلی مهم است و این نکاتی که شما گفتید اهمیت دارد. رضا رشیدی جمع بندی آخر شما از این بحث چیست؟

رضا رشیدی: در ادامه صحبت های اصغر کریمی، میخواهم بر اقداماتی که کارگران در ادامه رساندن صدای اعتراض خودشان به جامعه داشتند تاکید کنم و بگویم که کارگران باید پافشاری بیشتری کنند. همراه کردن خانواده ها، دادن مسئولیت به آنها و تجمع در مقابل مراکز دولتی.

از جنبه دیگر اعلام حمایت سایر بخش های جنبش کارگری و فعالین کارگری در این دوره میتواند نقش بسیار با اهمیتی را در تداوم پیشبرد مبارزه داشته باشد. فعالین کارگری میتوانند و باید با اعلام همبستگی، اعلام صندوقهای مالی، نوشتن نامه و جمع آوری طومار حمایتی و استفاده از سایر اهرمهای تبلیغی در رساندن صدای هر اعتراض کارگری به گوش جامعه نقش داشته باشند. فعالین دانشجویی در این دوره باید اطلاعیه بدهند و جنبش زنان نمایندگانشان اطلاعیه بدهند. و در رساندن صدای اعتراض کارگران به گوش جامعه فعالانه شرکت کنند. فعالین حقوق کودک تا چند وقت دیگر مدارس باز میشود و فرزند کارگری که چندین ماه است حقوق نگرفته با مساله نداشتن پوشاک، لوازم التحریر روبروست. فعالین حقوق کودک از زاویه حمایت و دفاع از کودکان باید با کارگران معترض و خانواده هایشان همصدا شوند. و نباید فشارهای وارده در اثر عدم پرداخت دستمزدها فرزندان کارگران را از تحصیل باز بدارد. و با دچار افسردگی کرده و از زندگی ناامید کند.

شهلا دانشفر: من هم در ادامه صحبت ها به چند نکته تاکید میکنم. ما در صحبت ها گفتیم که کارگران در

مجمع عمومی ۲۷ نماینده انتخاب کردند. اما ما و جامعه نمیدانیم که این نمایندگان چه کسانی هستند. اینها مخفی نیستند. اینها در مجمع عمومی انتخاب شده اند. جلوی چشم شوراهای اسلامی، جلوی چشم کارفرما انتخاب شده اند. اما اینها چه کسانی هستند. این نمایندگان رهبران کارگری هستند. باید نامشان، مشخصاتشان، عکسهایشان در تابلوی کارخانه زده شود. و بیایند در سطح رسانه ها حرف بزنند. اینها دست آوردهای جنبش کارگری هستند و یکی از جنبه های بسیار مهمیست که باید روی آن تاکید کنیم. به همبستگی کارگری اشاره کردیم. این هم بخشی از مساله است. و بخش دیگر درس گرفتن از تجربیات کیان تایر، به کار بردن آنها باید از همین امروز شاهد باشیم که فعالین کارگری در جاهای دیگر بنشینند و کاری کنند که کیان تایر و هفت تپه کردند. مجمع عمومی شان را تشکیل دهند. نمایندگانشان را انتخاب کنند. خشت های اولیه تشکل خودشان را بنا کنند. کیان تایر یکی از کارهایی که کرد، گفتند شورای اسلامی نمیخواهیم. آقدر فشار آوردند که دو نفر از اعضای شورای اسلامی مجبور به استعفا شدند. این اقدامات مهم است. حتی لازمست فعالین کارگری هیات بفرستند. با نمایندگان کارگران کیان تایر صحبت کنند و پرسند شما چه کردید و میخواهیم از شما یاد بگیریم. به هفت تپه هیات بفرستند و در مورد تجربیات آنها درس آموزی کنند. دستمزدهای پرداخت نشده، مساله میلیونی کارگران است. اخراج کارگران، معضل ورشکستگی کارخانجات و اینکه کارگر را هزار هزار بیکار میکنند معضل همه کارگران است. همین الان کارخانه نساجی کردستان را تعطیل اعلام کرده اند. و کارگران در طول این هفته دائما راهپیمایی و اعتراض داشته اند. و شاهد تجمعات همزمان چندین کارخانه شاهر و جاهایی دیگر بوده ایم. در هر حال بحث مهمی بود. اصغر کریمی و رضا رشیدی متشکریم که در این برنامه شرکت کردید.

گزارشی از اعتراض و تجمع کارگران فرش بافت سنندج

کارگران فرش بافت امروز ۶ شهریور ۱۳۸۷ نامه‌ای به استانداری و اداره کار دادند مبنی بر این که ما کارگران ۱۵ تا ۲۰ سال سابقه کار داریم و هیچگونه درآمدی نداریم. پس از اخراج ما بوسیله کارفرما، هیئت حل اختلاف حکم به بازگشت ما به سر کار و پرداخت دستمزدهای معوقه داد. حکم بازگشت به کارو حکم پرداخت حقوقهای معوقه خود را گرفتیم و به کارفرما مراجعه کردیم. اما کارفرما ما را بدون اعتنا به این حکم ما را از کارخانه بیرون و سرگردان کرده است. روز ۵ شهریور در جلسه هیئت حل اختلاف که از طرف اداره کار برگزار شد، کارفرما در جلسه حضور نیافت و باز هم آقایان و مسئولین دولتی از کارفرما حمایت کردند. قرار بود حکم بازگشت به کار ما را بدهند اما دوباره جلو پای ما سنگ اندازی کردند. و...

امروز ۶ شهریور ساعت ۸ صبح کارگران این نامه را به اداره کار و استانداری دادند که بلکه کارگران را از بلا تکلیفی نجات دهند. کارگران به همراه نمایندگان خود به جلوسانداری رفتند اما جوابی از استانداری دریافت نکردند. کارگران از آنجا به طرف اداره کار آمدند و نامه را به مسئولین اداره کار هم دادند. اما باز هم در آنجا توجهی به خواست کارگران نشد. کارگران نیز با خشم و عصبانیت به

طرف درب ورودی اداره کار رفتند و مانع از ورود و خروج کارمندان و مردم به داخل و خارج اداره شدند. درب را بسته و خواهان تعیین تکلیف وضعیت خود شدند.

با وساطت کارمندان و نیروی حراست نیز کارگران درب را باز نکردند. پس از مدت کوتاهی نیروی انتظامی و اطلاعات به جلو اداره کار آمدند و با حضور مسئول حراست اداره کار باز هم کارگران پافشاری کردند و به آنها توضیح دادند که ما طی این دو ماه و چند روز گذشته خانواده هایمان تحت فشار مالی بسیار شدیدی بسر می برند. کارگران اعلام کردند با توجه به نزدیک شدن بازگشایی مدارس و اینکه همه ما کارگران مستاجر هستیم و از هر نظر تحت فشار هستیم، امروز خواهان پاسخگویی به این همه اجحاف و بی حقوقی هستیم. نیروی انتظامی و اطلاعات نیز مسئله را به حراست اداره کار و مسئولین واگذار کرد که بدان رسیدگی شود.

بعد از جر و بحث زیادی که پیش آمد نمایندگان کارگران با حراست و مسئولین اداره کار در داخل اداره صحبت کردند و قرار شد تاریخ جلسه حل اختلاف را به ۲۳ شهریور موعول کنند. کارگرانی که در مقابل اداره کار تجمع کرده و منتظر نتیجه مذاکرات نمایندگانشان بودند پس از شنیدن این خبر خشمگین شدند و همگی به داخل ساختمان رفته و اعتراض کردند. این اعتراض باعث شد که تاریخ جلسه را

۱۷ شهریور اعلام کنند.

بعد از این توافق کارگران خواستار دریافت فوری حقوقهای معوقه خود شدند که از معضل بی پولی مقصداری خلاص شوند که مسئولین باز هم جانب کارفرما را گرفتند و جواب قانع کننده ای به کارگران ندادند. بعد از رفتن نیروی انتظامی، با پا درمیانی حراست کارگران درها را باز کردند.

بهمن از سنندج - ۶ شهریور ۱۳۸۷

اخراج ۳۵ کارگران از شرکت کشت و صنعت مهاباد

با سلام و خسته نباشید!

۳۵ نفر از کارگران قراردادی شرکت کشت و صنعت مهاباد (بخش مرغداری) به دستور کارفرمای جدید از کار خود بیکار گشتند. همچنین در طی این هفته این دومین بار است که این عمل صورت می گیرد. زیرا ۵ روز پیش نیز ۱۴ کارگر دیگر از همین بخش اخراج گشتند. لازم به ذکر است که این کارگران حقوق ۳ ماهشان را هنوز دریافت نکرده اند. در همین راستا کارگران اخراجی روز ۴ شهریور ۱۳۸۷ به واسطه نمایندگان خود با مسئولین شرکت به مذاکره پرداختند، ولی جوابی دریافت نکردند. قرار است در همین هفته یک اعتصاب گسترده از سوی کارگران بخش های دیگر شرکت در حمایت از کارگران اخراجی صورت بگیرد. ولی از همین حالا با تهدید و ارباب کارفرما مبنی بر اخراج بقیه کارگران روبرو شده اند.

کمپینی جهانی در اعتراض به حکم اعدام فرزاد کمانگر

در پی کمپینی بین المللی در اعتراض به حکم اعدام فرزاد کمانگر و خواست آزادی فوری او از زندان سازمانهای و نهادهای مختلف انسان دوست در سطح جهان با ارسال نامه های اعتراضی به جمهوری اسلامی به این کمپین پیوسته اند. لیستی از این سازمانها عبارتند از:

- سازمان عفو بین الملل
- سازمان جهانی معلمان
- فدراسیون جهانی اتحادیه های معلمان
- اتحادیه های ایالت نیوساوت ویلز - استرالیا
- کنگره اتحادیه های کارگری انگلستان
- فدراسیون اتحادیه های کارگری سراسر پاکستان
- اتحادیه کارگری مستقل کارکنان سازمان های اتحادیه اروپا
- حزب چپ سوئد
- سازمان دیده بان حقوق بشر

۳ معدنکار دیگر بر اثر ناامنی محیط کار جان باختند

مسئولین این معدن و نه جمهوری اسلامی هیچگونه اقدامی برای امن کردن این معدن نکرده اند.

حزب کمونیست کارگری جان باختن این ۳ کارگر را به بستگان و همکاران آنها صمیمانه تسلیت می گوید و خود را در غم آنها شریک می داند. سرنگونی جمهوری اسلامی گام اول در راهائی کارگران و کل مردم از شر این جهنم است. حزب کمونیست کارگری کارگران و همه مردم آزادیخواه را به پیوستن به حزب کمونیست کارگری و اهداف و مطالبات آن فرامیخواند.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زننده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ اوت ۲۰۰۸، ۳ شهریور ۱۳۸۷

بنابه اخبار منتشر شده، روز ۲ شهریور ماه در دو حادثه جداگانه ۳ معدنکار در معدن کرمان بر اثر ناامنی محیط کار جان خود را از دست داده اند. بنابر این خبر بر اثر نشت گاز از لایه های زغال در معدن باب نیزو هفت کارگر دچار گاز گرفتگی می شوند که ۲ نفر در دم جان می بازند. همچنین کارگر دیگری بر اثر ریزش خاک در کارگاه استخراج معدن جنوب شرقی سراپرده، زیر آوار مدفون شد و جان خود را از دست می دهد. ناامنی محیط کار در معدن کرمان در چند سال گذشته دهها کارگر را قربانی کرده است. در همین معدن باب نیزو، در یک حادثه ۱۱ کارگر جان باختند و دهها نفر دیگر مجروح شده و راهی بیمارستان شدند اما نه کارفرمایان و

سروکوبگران برگردانند. در بیانیه صادر شده از طرف BAWF از تمامی کارگران تقاضا شده بود که از تمامی راههای مسالمت آمیز از جمله اعتصابات تا رسیدن به خواستهای خود استفاده نمایند. در بیانیه هم چنان آمده بود: "با خونمان دیوارهای کمون پاریس را دو باره خواهیم ساخت". صدای این کارگران در سال ۱۹۸۹ خاموش شد ولی این صدا دو باره و در سال ۲۰۰۲ در مناطق شمالی چین طنین انداز

کرده این حرکت تاریخی و ضد سرمایه داری کارگران در آن سال است. ترس و وحشت مقامات دولتی به جایی رسیده بود که آنها با توسل به ACFTU سعی در هم پاشیدن این سازمان کارگری مستقل کردند. علت ترس و وحشت دولتیان در آن بود که BAWF در تظاهرات مستقل خود کارگران را به کنترل کارگری کارخانه ها فرا میخواند؛ از سربازان مصرانه میخواست که گلوله های خود را بسمت

است، به منافع کارگران. سازش طبقاتی بجای مبارزه طبقاتی. البته این را نیز باید اضافه کرد که ACFTU همانند سایر اتحادیه های رفرمیست در جاهای دیگر دنیا با سیر نزولی اعضای خود مواجه است. در اینجا جا دارد که اشاره ای داشته باشیم به Beijing Autonomous Workers' Federation (BAWF) که در تظاهرات

مسابقات المپیک ۲۰۰۸... ۶

از صفحه ۶

تاریخی میدان Tiananmen در سال ۱۹۸۹ و بعنوان یک حرکت و سازمان مستقلی کارگری در چین شکل گرفت. در افکار عمومی متاثر شده از مدیای غرب تظاهرات میدان Tiananmen حرکتی به طرفداری از دموکراسی غربی تداعی میشود که جای بررسی آن در این مقاله نیست. ولی آنچه که مدیای غرب عمدا آنرا سانسور

تاریخی میدان Tiananmen در سال ۱۹۸۹ و بعنوان یک حرکت و سازمان مستقلی کارگری در چین شکل گرفت. در افکار عمومی متاثر شده از مدیای غرب تظاهرات میدان Tiananmen حرکتی به طرفداری از دموکراسی غربی تداعی میشود که جای بررسی آن در این مقاله نیست. ولی آنچه که مدیای غرب عمدا آنرا سانسور

تاریخی میدان Tiananmen در سال ۱۹۸۹ و بعنوان یک حرکت و سازمان مستقلی کارگری در چین شکل گرفت. در افکار عمومی متاثر شده از مدیای غرب عمدا آنرا سانسور

کارگران نساجی کردستان یک بار دیگر در مقابل کارخانه تجمع کردند

اجازه نمیدهیم شغل ما را با تعطیلی کارخانه از بین ببرید.

ما ضمن حمایت قاطع از مطالبات کارگران نساجی همه کارگران دیگر مراکز را به حمایت از این مطالبات فرا میخوانیم. کارگران نساجی باید در این مبارزه مورد حمایت قاطع همه فعالین و تشکلهای کارگری قرار گیرند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۲ شهریور ۱۳۸۷ - ۲۳ اوت ۲۰۰۸

کارگران نساجی کردستان در دومین مجمع عمومی خود ۵ نماینده انتخاب کردند. کارگران بر ادامه اعتراض خود تاکید کردند

بنا به آخرین گزارش دریافتی، روز ۵ شهریور کارگران نساجی کردستان از ساعت هشت و نیم تا یازده صبح دومین مجمع عمومی خود در کارخانه را برگزار کردند و در این مجمع عمومی در مورد ادامه اعتراض خود تصمیم گیری کردند. کارگران اعلام داشتند که در صورتیکه کارفرما با خواست کارگران مبنی بر بازگشایی شرکت و روشن شدن وضع اشتغال کارگران موافقت نکند به تجمعات خود در محل شرکت ادامه خواهند داد. کارگران همچنین خواهان حقوق معوقه سه ماه خود شدند. در این مجمع عمومی کارگران ۵ نفر را به عنوان نمایندگان خود انتخاب کردند. بنا به همین خبر، چهار نفر از کارگران شرکت نساجی کردستان، واحد کمپرسور-به اسامی ۱- کامل زارعی ۲- عزت گلنا ۳- طاهر لطفی ۴- اسد ساعد پناه که در تاریخ اول اردیبهشت امسال از طرف شرکت اخراج شده بودند، با رای قطعی هیئت حل اختلاف، در ۲۵ مرداد ۴ حکم بازگشت به کار گرفتند.

بنا به خبر رسیده، طبق قرار قبلی روز شنبه ۲ شهریور، کارگران نساجی کردستان از ساعت اولیه صبح در مقابل کارخانه نساجی کردستان تجمع کردند. این تجمع تا ساعت ۱۲ ظهر ادامه داشت. کارگران در اجتماع قبلی خود در مقابل اداره کار اعلام کرده بودند که تا روز دوم شهریور به کارفرما مهلت میدهند که مطالباتشان را بپذیرد. کارگران خواهان بازگشت به کار و پرداخت حقوق معوقه دو ماه خود شده بودند. این خواستها را قبلاً طی نامه ای با امضای همه کارگران به اطلاع اداره کار، کارفرما و اطلاعات سنج رسانده بودند.

در این مدت، مدیریت کارخانه و اداره کار هیچ گونه جوابی به کارگران نداده بودند. به همین دلیل در تجمع روز ۲ شهریور در مقابل کارخانه، کارگران خواهان پاسخ مدیریت به مطالبات خود شدند. اما کارفرما ابتدا با بی اعتنائی به تجمع کارگران برخورد کرد. کارگران با شعارهای "کارگر نساجی هستیم، گرسنه ایم"، "خانواده های ما گرسنه اند، زندگی انسانی حق مسلم ماست!"، "ما کار می‌خواهیم." "ما را به سن جوانی برگردانید بعد اخراج کنید!" و... خواهان جواب کارفرما به مطالبات خود و بازگشت به کار شدند.

کارفرما ناچار شد به میان کارگران بیاید و اعلام کند: خواسته های شما را رسیدگی میکنیم. برای آرام کردن کارگران فیش حقوقها را به کارگران نشان داد و اعلام کرد تا روز دوشنبه حقوق معوقه دو ماه کارگران به حساب آنها واریز خواهد شد. کارگران فیش حقوق این دو ماه را دریافت کردند اما اعلام کردند ما هنگامی به حرف شما باور میکنیم که این پول به دست ما برسد. کارگران نساجی همچنین بر خواست محوری خود یعنی بازگشت به کار تاکید کردند. و اعلام کردند که



دریافت تمامی مطالبات خود فراموشی نکنند. حزب از خانواده های کارگران و از همه کارگران و مردم آزادیخواه شیراز می خواهد که از اعتراضات این کارگران وسیعاً و قاطعانه حمایت کنند و در تجمعات اعتراضی آنها شرکت کنند. حزب از کارگران این کارخانه می خواهد مرتباً با حزب کمونیست کارگری و کانال جدید تماس بگیرند و آخرین اخبار مبارزه و وضعیت خود را به اطلاع ما برسانند تا همگان را در جریان قرار دهیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۲۵ اوت ۲۰۰۸، ۴ شهریور ۱۳۸۷

نفت پازنان ۳۵۰ هزار تومان در قبایل ۲۵ روز در ماه و ساعات کار طولانی است. کارگران از ساعت ۶ صبح از خانه های خود بیرون میروند و ۶ عصر به خانه میرسند.

اعتصاب کارگران شرکت نیلوفر

بنابه خبری که امروز ۲۹ مرداد ماه به کانال جدید رسیده است، کارگران شرکت پلاستیک سازی نیلوفر تهران، بخاطر ۵ ماه حقوق پرداخت نشده خود دست به اعتصاب زدند. این خبر می افزاید که تجمع کارگران مورد حمله قرار گرفت و چند نفر دستگیر شدند. از جزئیات این اعتصاب و تعداد و اسامی دستگیرشدگان خبری نرسیده است.

اعتصاب کارگران گروه صنایع فلزی ایران

بنابه خبر دیگری کارگران کارخانه شماره یک صنایع فلزی ایران روز شنبه ۹ شهریور دست به اعتصاب زدند. خواست کارگران پرداخت فوری دوماه دستمزد و مزایای معوقه است. اعتصاب امروز یکشنبه نیز ادامه یافت. کارگران اعلام کرده اند که تا زمانی که حقوقهایشان پرداخت نشود به اعتصاب ادامه خواهند داد. مدیر عامل گروه صنایع فلزی در مقابل خواست بحق کارگران در مقابل بالا کشیدن دستمزدشان، آنها را تهدید کرده است.

کارگران صنایع مخابرات راه دور شیراز دو ماه حقوق خود را از حلقوم کارفرمایان بیرون

بنهال اعتراض کارگران کارخانه صنایع مخابراتی راه دور در شیراز به عدم پرداخت دستمزدهای چندین ماهه خود، ۲ ماه از مطالبات کارگران پرداخت شد. بر اساس این خبر، بنهال اعتراض و تجمع روز دوشنبه هفته گذشته کارگران در مقابل دفتر مدیریت، فرمانداری شیراز جلسه ای با کارگران این شرکت تشکیل داد که به وضعیت این کارخانه بپردازد. در گزارش منتشره آمده است که فرماندار وعده داده بود که کلیه مطالبات کارگران را روز دوشنبه ۴ شهریور بپردازد اما فقط دستمزد پرداخت نشده ۲ ماه کارگران پرداخت شد.

کارگران صنایع مخابرات راه دور شیراز چندین ماه است در اعتراض به حقوق پرداخت نشده خود با مدیریت این کارخانه و مقامات جمهوری اسلامی درگیرند و بارها همراه با اعضای خانواده های خود دست به تجمعات اعتراضی زده اند. یادآوری میکنیم که علی کیامرثی، یکی از کارگران این شرکت نیز به دلیل وضعیت معیشتی تحمیل شده به خانواده اش بر اثر عدم دریافت دستمزدهای چندین ماه خود، اقدام به خودکشی کرد که خوشبختانه توسط همکارانش از مرگ نجات یافت.

حزب کمونیست کارگری کارگران کارخانه صنایع مخابراتی راه دور شیراز را به برگزاری مجمع عمومی برای تصمیم گیری جمعی، به اتحاد و یکپارچگی و ادامه مبارزه برای میان کارگران آمده و آنها را تهدید به اخراج کرده است. مدیریت این شرکت بطور مشخص ۲۰ نفر از کارگران را در لیست اخراج قرار داده و اسامی آنها را اعلام کرده است. کارگران اعلام کرده اند که هیچکدام از همکارانشان نباید اخراج شوند و مبارزه آنها برای خواست بحق است که باید فوراً پاسخ داده شود.

اعتصاب کارگران اکتشاف نفت پازنان آغاچاری

بنابه خبری که به کانال جدید رسیده است، در نیمه اول مرداد ماه، کارگران اکتشاف نفت پازنان آغاچاری که حدود ۳۰۰ نفر میباشد، دست به اعتصاب یک هفته ای زدند. کارگران اعتصابی حقوق ماههای بهمین و اسفند ۸۶ و فروردین ۸۷ به بعد را دریافت نکرده بودند که بنهال اعتصاب، دادگاه هم مجبور شد به نفع آنها رای بدهد. بنابه این خبر، نیروهای انتظامی از امیدیه به محل تجمع کارگران در محوطه شرکت آمدند تا از گسترش اعتراض کارگران جلوگیری کنند. با اعتصاب کارگران، شرکت نفت مجبور شد حقوق بهمین و اسفند و عیدی فروردین ماه کارگران را بپردازد، اما هنوز حقوق ماههای اردیبهشت به بعد کارگران پرداخت نشده است. حقوق متوسط کارگران اکتشاف

بنهال اعتراض کارگران کارخانه صنایع مخابراتی راه دور در شیراز به عدم پرداخت دستمزدهای چندین ماهه خود، ۲ ماه از مطالبات کارگران پرداخت شد. بر اساس این خبر، بنهال اعتراض و تجمع روز دوشنبه هفته گذشته کارگران در مقابل دفتر مدیریت، فرمانداری شیراز جلسه ای با کارگران این شرکت تشکیل داد که به وضعیت این کارخانه بپردازد. در گزارش منتشره آمده است که فرماندار وعده داده بود که کلیه مطالبات کارگران را روز دوشنبه ۴ شهریور بپردازد اما فقط دستمزد پرداخت نشده ۲ ماه کارگران پرداخت شد.

کارگران صنایع مخابرات راه دور شیراز چندین ماه است در اعتراض به

تجمع اعتراضی کارگران شرکت پشتیبانی صنعت برق گیلان

روز ۶ شهریور کارگران شرکت پشتیبانی صنعت برق گیلان در اعتراض به هفت ماه دستمزد پرداخت نشده خود در مقابل دفتر شرکت واقع در چهار راه دکتر حشمت رشت دست به تحصن زدند. در این شرکت بیش از ۱۲۳ کارگر به کار اشتغال دارند و به یکی از پیمانکاران برق منطقه ای گیلان وابسته است. گفته میشود در جریان قراردادهایی که بین این شرکت با وزارت نیرو بسته شده، دزدی های زیادی از سوی مدیران و سهامداران آن انجام گرفته است و اکنون کارگران این شرکت در وضع نابسامانی بسر میبرند. در این تجمع اعتراضی کارگران پلاکاردی همراه داشتند که در آن بر خواسته های خود تاکید کرده بودند.

کارگران شرکت سازه های فلزی دست به اعتصاب زدند

بنا به گزارشی که دریافت کرده ایم روز سه شنبه ۲۲ مرداد ماه کارگران شرکت سازه های فلزی واقع در شهرک صنعتی آبادان در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان دست به اعتصاب زدند. کارگران این شرکت چند ماه است حقوق خود را دریافت نکرده اند. با اعتصاب کارگران کارفرما به

زنده باد شورا!

پیش بسوی تشکیل شوراها!



شهبلا دانشمند

اعتصاب کارگران لوله سازی حرکتی مهم و آموزنده

یک اتفاق مهم در دو هفته اخیر اعتصاب و تجمع اعتراض کارگران لوله سازی خوزستان در شهر اهواز است. کارگران در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده خود دست از کار کشیدند، به وسط شهر آمدند و با راهپیمایی، خود را به میدان نادری این شهر رساندند و در آنجا خواستهایشان را فریاد زدند. اهمیت این حرکت اعتراضی بویژه اینجا بود که میشد بر متن آن فضای اعتراضی امروز جامعه ایران را مشاهده کرد. میشد همبستگی و همراهی بخشهای وسیع مردم با کارگران را مشاهده کرد. هنگامیکه که کارگران راهپیمایی میکردند، مردم اهواز که از گرانی و فقر به امان آمده اند، بیش از هر وقت خود را با کارگران و خواستهای آنها همصدا میدیدند و بنا به گزارشات که از شاهدان عینی این روز بدستمان رسیده است، این همدردی و نزدیکی بین مردم و کارگران حتی در بحث ها و صحبت های مردم در کوچه و خیابان با

یکدیگر ابراز میشد. مردم در حالیکه از گرانی و حذف سوبسید ها و وضعیت فلاکت بار خود گلایه میکردند، همه جا حرفشان این بود که دیگر بس است. باید به این اعتراض پیوست. این صحبتی بود که در گزارشات مختلف شنیدیم. در چنین شرایطی بود که در مدت زمانی کوتاه علیرغم اینکه نیروی انتظامی کارگران را تحت محاصره گرفته و همه جا را تحت کنترل داشت. در شرایطی که مانع پیوستن مردم به صف کارگران میشد و هر جا مردم به طرف کارگران میرفتند سعی میکرد، آنها را برگرداند، اما باز مردم از هر طرف به سوی صف اعتراض کارگران میرفتند و سرانجام جمعیت به حدود ۶۰۰۰ نفر رسید و حرکت اعتراضی کارگران در شهر انعکاس وسیعی پیدا کرد. در این روز شهر اهواز وضعیت ویژه ای پیدا کرده بود و ما شاهد همبستگی با شکوه مردم با اعتراض کارگران لوله سازی خوزستان بودیم. این حرکت بیش از هر چیز

اهمیت به کارگیری تاکتیک درست از سوی کارگران لوله سازی خوزستان را به نمایش گذاشت. کارگران با کشاندن اعتراض خود به بیرون از کارخانه، با راهپیمایی در وسط شهر توانستند نیروی معترض کل شهر را که در خواستها و مشکلات آنان شریکند، را به حمایت از اعتراض و مبارزه شان جلب کنند. این فاکتور امروز بطور واقعی یک فاکتور مهم در مبارزات کارگران و بخش های مختلف جامعه است و باید در همه جا در اعتراضاتمان آنرا به حساب آوریم. فاکتوری که میتواند اعتراض یک کارخانه معین را به موضوع یک شهر و یک منطقه تبدیل کند و بطور واقعی کارگران را در موقعیت بسیار قدرتمند تری قرار دهد. فاکتوری که همواره جمهوری اسلامی از آن وحشت داشته و تحت عنوان کانون های بحران از آن یاد کرده است. واقعیت اینست که ما نمونه هایی از چنین حرکتی را قبلا در شهر های مختلف از جمله در سنندج، در کاشان، در

قزوین شاهد بوده ایم. بطور مثال در قزوین اعتراضات همزمان کارگران همواره موضوعی بوده که هر بار که کارگران چندین کارخانه نساجی با هم حرکتی اعتراضی برپا کرده اند توانسته اند توجه کل شهر را به خود جلب کنند و جنب و جوشی در شهر ایجاد کنند. یا مثلا در اعتراضات کارگران نساجی ها در شهر سنندج همبستگی و حمایت آنها از یکدیگر و جلب حمایت مردم از مبارزات کارگران تا هم اکنون تاثیر مهمی در تغییر فضای این شهر به نفع اعتراضات کارگران و بخش های مختلف جامعه داشته است. اما اتفاقی که در شهر اهواز افتاد این بود که ما میدیدیم که مردم این شهر بدرستی اعتراض کارگران لوله سازی خوزستان را فرصتی برای بیان اعتراض خود و خلاصی از این وضعیت میدیدند و این را در فضای شهر کاملا میشد دید. تحت همین فضا بود که یک باره کارگران کارخانه ای با حدود ۸۰۰ کارگر، توانستند جمعیتی چند هزار نفره را بحرکت درآورند و این خود اهمیت ویژه ای به

شهر اهواز شاهد همبستگی گسترده و باشکوه مردم با کارگران لوله سازی بود

هزاران نفر از مردم به صف کارگران اعتصابی پیوستند

طبق گزارش یکی از خبرنگاران کانال جدید از اهواز، صبح روز شنبه ۲ تعدادی از کارگران لوله سازی خوزستان در اهواز در میدان شهدا تجمع کردند و از آنجا بطرف پل نادری راهپیمایی کردند. کارگران در حالیکه شعار میدادند گرسنه ایم گرسنه ایم، استاندار بی لیاقت استعفا استعفا، خواهان پرداخت فوری حقوق های معوقه خود شدند. کارگران رسمی سه ماهه و کارگران قراردادی ۶ ماه حقوق طلب دارند. راهپیمایی کارگران از ساعت ۱۰ صبح شروع شد و تا ساعت ۱۱ و نیم ادامه یافت. هزاران نفر از مردم آزادیخواه و مبارز اهواز، علیرغم ممانعت نیروهای سرکوب به صف کارگران پیوستند و از مبارزه حق طلبانه آنها حمایت کردند.

نیروهای انتظامی، کارگران را محاصره کرده بودند تا مانع پیوستن مردم به صف آنها شوند و مدام سعی میکردند مردم را از کارگران دور کنند، علیرغم این مردم آزادیخواه اهواز دسته دسته به صف کارگران پیوستند و هربار که نیروهای سرکوبگر مردم را از صف کارگران دور میکردند مجددا به آنها پیوستند. تا ساعت ۱۱ صبح، صف کارگران و مردم معترض به ۵۰۰ نفر رسیده بود اما سرانجام با فشار جمعیتی که در اطراف تجمع کرده بودند کنترل از دست نیروهای سرکوب بیرون رفت و هزاران نفر به صف تظاهرات پیوستند و صف تظاهرات به ۵۰۰۰ نفر رسید. کارگران دو پلاکارد با خود داشتند که

اعتراضی که در شهر اهواز به جریان افتاد میدهد. از همین رو تحلیل و بررسی این موضوع مهم است و کشاندن اعتراض به بیرون از کارخانه، انعکاس اجتماعی اخبار اعتراضات کارگری و مطلع کردن مردم از این مبارزات، اعتراضات همزمان چندین کارخانه، شرکت فعال خانواده های کارگران در اعتراض همه و همه جنبه های مختلفی از تبدیل یک حرکت اعتراضی به حرکتی اجتماعی و گسترده است که میتواند با بسیج بیشترین نیرو به اعتراضات ما آنچنان قدرتی دهد که نه تنها خواستهای خود را تحمیل کنیم بلکه گامی به جلوتر برداریم و با خواستهای تعرضی تر به میدان آییم. بررسی و تجزیه و تحلیل و درس گرفتن از این تجربه کارگران لوله سازی اهواز را به همه فعالین کارگری توصیه میکنم.

در غیر اینصورت اینبار همراه با خانواده های خود دست به تجمع گسترده تر خواهیم زد. در تجمع روز دوم شهریور در مرکز شهر، چالنگی مدیر عامل شرکت خود را به میان کارگران در میدان نادری رسانده و به کارگران گفته بود که تجمع شما غیرقانونی است و بدلیل نبود مواد، کارخانه تا ۱۵ شهریور تعطیل است. کارگران به صحبت چالنگی اعتراض کردند و یکی از کارگران یک سیلی به او زد و نیروی انتظامی برای آرام کردن کارگران و مردم به چالنگی دستبند زده و او را با خود برد و پس از ساعتی او را آزاد کرد. لازم به توضیح است که در کارخانه لوله سازی خوزستان ۴۰۰ کارگر بصورت رسمی و ۳۷۰ نفر بصورت قراردادی به کار اشتغال دارند. این کارخانه بعد از واگذاری به بخش خصوصی ۴ بار دست بدست میدهم که حقوق معوقه پرداخت

زنده باد سوسیالیسم